

اللَّهُ أَحْمَدُ

گزیده ای از
قوانین کشور مرتبط با
وظایف حراست ها

تهیه و تنظیم: حمید جلالی

عنوان کتاب: گزیده ای از قوانین کشور مرتبط با وظایف حراست ها
سازمان حراست کل کشور - اداره کل آموزش و پژوهش - تهران - ۱۳۹۳
صفحه: ۲۰۰ (معاونت تهیه متون درسی)
کلیدواژه:



سازمان حراست کل کشور

گزیده ای از قوانین کشور مرتبط با وظایف حراست ها

تهیه و تنظیم: حمید جلالی

طرح جلد: حمید جلالی و معاونت تدوین

ویراستار: عبدالله محمدی

ناشر: اداره کل آموزش و پژوهش - سازمان حراست کل کشور

شمارگان: ۳۰۰۰

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۹۳

نوبت چاپ: دوم

شماره ثبت در دبیرخانه سازمان: ۱۸۶/۷۵۳۲

آدرس: اداره کل آموزش و پژوهش - شماره تماس: ۰۲۱ - ۲۲۸۵۸۹۲۰

نظرات، دیدگاه ها و توضیحات ارائه شده
الزاماً نظر سازمان حراست کل کشور نمی باشد.

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

سخن ناشر

یکی از وظایف و مأموریت اداره کل آموزش و پژوهش تولید متون آموزشی در حوزه مطالعات حراستی است. از این رو معاونت تهیه متون درسی اداره کل، اقدام به تدوین و تالیف کتب درسی، کاربردی برای حراست‌ها نموده است. کتاب حاضر نیز محصول همین راهبرد بوده که توسط یکی از اساتید صاحب نظر از کلیه قوانین موجود در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران استخراج و تنظیم گردیده است.

با مطالعه این کتاب، کارکنان خدوم حراست‌ها از جنبه قانونی و حدود و ثغور کار حراستی به لحاظ حقوقی آشنا خواهند شد.

نویسنده محترم و ناشر آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات کارشناسان شاغل در حراست و خوانندگان محترم می‌باشند. بی تردید هیچ کلام و اثر علمی غیر از کلام الهی خالی از اشکال و ضعف نیست، فلذا از جامعه علمی حراست تقاضا می‌شود جهت رفع نقایص این نوشتار، آن را در بوته نقد قرار دهند.

اداره کل آموزش و پژوهش

فهرست مطالب

۸ مقدمه
۱۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۲۱ قانون مجازات اسلامی ایران
۵۹ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری
۶۹ قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات و الحاقات ۸۹
۸۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)
۱۰۵ قانون مدنی
۱۱۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)
۱۳۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت
۱۴۹ آئین نامه اجرائی قانون رسیدگی به تخلفات اداری
۱۵۷ قانون جرائم رایانه ای
۱۷۹ قانون تجارت الکترونیک

- ۱۸۷ قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور
- ۱۹۳ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی
- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس هایی
که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را
- ۱۹۷ جریحه دار می کند
- ۲۰۱ فهرست منابع

مقدمه

بر اساس تحقیقات، بررسی‌ها و تجربیات خدمت در حراست‌ها و نیز با وجود کثرت قوانین موجود در موضوعات مختلف و عدم گردآوری به صورت تفکیکی، مرتبط با وظایف و مأموریت‌های حراست‌ها، جمع‌آوری و تدوین کتابی با این محتوا به عنوان یک نیاز ضروری، کاملاً مشهود به نظر می‌رسید.

مسئولین و پرسنل ذی‌ربط حراست‌ها، در صورت وقوع مسائل حراستی مربوط به حوزه مأموریتی حراست در سازمان متبوع خود و بعضاً در مواقع لزوم استناد به قوانین کشور در راستای انجام امورات محوله، به علت پراکندگی قوانین و بعضاً عدم آشنایی با قوانین مربوطه، آنها را در نحوه برخورد متناسب با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد.

فلذا در صدد برآمدیم با توجه به کثرت و پراکندگی قوانین کشور در موضوعات مختلف؛ به بررسی اجمالی و تفکیک قوانین مربوط به وظایف و مأموریت‌های حراست‌ها پرداخته و آنها را در یک کتاب تحت عنوان «**قوانین کشور؛ مرتبط با وظایف حراست‌ها**» جمع‌آوری و در اختیار مسئولین و پرسنل ذی‌ربط قرار داده شود.

بر همین اساس سعی و تلاشی در این خصوص به کار گرفته شد که حتی الامکان

و تا حد توان، قوانین مربوط و مرتبط با وظایف و مأموریت‌های حراست‌ها را تفکیک و به صورت صریح و روشن و با توضیح برخی از اصطلاحات حقوقی و...، عیناً در اختیار همکاران عزیز و محترم در حراست‌ها قرار گیرد. تا این عزیزان بتوانند از قوانین و مقررات کشور مرتبط با حوزه کاری خود مطلع شوند.

شایان ذکر است از آنجایی که قانونگذار جمهوری اسلامی برابر ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) حراست‌ها را به عنوان ضابط قوه قضائیه به دادگستری معرفی نموده است و نیز برابر اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و برابر قانون باشد، لذا اصلی‌ترین هدف از تدوین این کتاب ارتقاء سطح دانش و آگاهی مسئولین و پرسنل حراست‌ها می‌باشد.

امید است ان شاء الله مجموعه قوانین تهیه شده مورد بهره برداری مناسب در راستای نیل به اهداف عالی حراست‌ها قرار گیرد.

سایه مقام معظم رهبری مستدام

با آرزوی موفقیت

حمید جلالی

فصل اول

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ^۱

(۱) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی و میزان) شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (سوره حدید/ آیه ۲۵)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اصل ۸- در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»^۱

اصل ۲۲- حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل ۲۳- تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس رانمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل ۲۵- بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

اصل ۳۲- هیچ کس رانمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون

(۱) مردان مؤمن و زنان مؤمنه بعضی از آن‌ها اولیای بعضی دیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

(سوره توبه / آیه ۷۱)

معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۳- هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد، یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع، یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل ۳۶- حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل ۳۷- اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل ۳۸- هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل ۳۹- هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است.

اصل ۴۰- هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر، یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل ۱۱۰- وظایف و اختیارات رهبر:

- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام.

- فرمان همه‌پرسی.

- فرماندهی کل نیروهای مسلح.
- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها.
- نصب و عزل و قبول استعفای:
 - فقهای شورای نگهبان.
 - عالی‌ترین مقام قوه قضائیه.
 - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
 - رئیس ستاد مشترک.
 - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
 - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی.
 - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه.
 - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم. صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
- عزل رئیس جمهور، با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتم و نهم.
- عفو، یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.

* رهبری می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل ۱۳۹- صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می کند.

اصل ۱۴۱- رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت های خصوصی، جز شرکت های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت های آموزشی در دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی، از این حکم مستثنی است.

اصل ۱۵۹- مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه ها و تعیین صلاحیت آنها، منوط به حکم قانون است.

اصل ۱۶۷- قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص، یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل ۱۶۹- هیچ فعلی، یا ترک فعلی، به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است، جرم محسوب نمی شود.

اصل ۱۷۰- قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی، که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی، یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است، خودداری کنند و هر کس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

فصل دوم

قانون مجازات اسلامی ایران

«قانون مجازات اسلامی ایران»

ماده ۲- هر فعل، یا ترک فعلی، که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود.

ماده ۶- هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.

ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتی، مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود، لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی مؤثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم الاجراء صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد:

● اگر عملی که در گذشته جرم بوده، به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود، در این صورت حکم قطعی اجراء نخواهد شد و اگر در جریان اجراء باشد موقوف الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجراء شده باشد هیچ گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است، اعمال نمی گردد.

● اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد، محکوم علیه می تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین، با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد.

● اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق^۲ به اقدام تأمینی^۳ و تربیتی تبدیل گردد، فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت.

ماده ۲۲- دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری^۴ و سبازدارنده^۵ را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از:

(۲) لاحق، آن چیزیکه از پس چیز دیگری آید و بدو بپیوندد.

(۳) اقدامات تأمینی عبارتند از: تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می کند. مجرمین خطرناک، کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب جرم ارتكابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد. از اینکه قانوناً مسئول باشند یا غیر مسئول. (ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹)

(۴) تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد. (ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی)

(۵) مجازات بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد، از قبیل: حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطهات معین و منع از اقامت در نقطهات نقاط معین و مانند آن. (ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی)

- گذشت شاکی، یا مدعی خصوصی
 - اظهارات و راهنمایی‌های متهم، که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیائی که از جرم تحصیل شده است، مؤثر باشد.
 - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل: رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیها و وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم
 - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق، که مؤثر در کشف جرم باشد.
 - وضع خاص متهم و یا سابقه او
 - اقدام یا کوشش متهم، به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن تبصره ۱: دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحاً قید کند.
 - تبصره ۲: در مورد تعدد جرم^۶ نیز دادگاه می‌تواند جهات مخففه را رعایت کند.
 - تبصره ۳: چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.
- ماده ۲۳-** در جرایمی که با گذشت متضرر از جرم، تعقیب یا رسیدگی، یا اجرای حکم موقوف می‌گردد، گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد. همچنین عدول از گذشت مسموع نخواهد بود. هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود، ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده‌اند، است.
- تبصره: حق گذشت به وراث قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت

(۶) هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است (ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴)

گذشت همگی وراثت، تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌گردد.
ماده ۴۱- هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید،
 لکن جرم منظور واقع نشود، چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد، محکوم
 به مجازات همان جرم می‌شود.

تبصره ۱: مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم
 بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، شروع به جرم نبوده و از این
 حیث قابل مجازات نیست.

تبصره ۲: کسی که شروع به جرمی کرده است، به میل خود آن را ترک کند و
 اقدام انجام شده جرم باشد، از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.

ماده ۴۳- اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاصی
 و دفعات و مراتب جرم و تأدیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند:
 ● هر کس دیگری را تحریک، یا ترغیب، یا تهدید، یا تطمیع^۷ به ارتکاب جرم
 نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

● هر کس با علم و عمد و سایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب
 آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

● هر کس عالماً و یا عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره ۱: برای تحقق معاونت^۸ در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا
 اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر^۹ جرم شرط است.

تبصره ۲: در صورتی که برای معاونت جرمی، مجازات خاص در قانون یا
 شرح وجود داشته باشد، همان مجازات اجراء خواهد شد.

ماده ۴۴- در صورتی که فاعل جرم به جهتی از جهات قانونی، قابل تعقیب

(۷) آزمند ساختن و کسی را به طمع انداختن

(۸) تحریک عامل اصلی جرم (مباشر فعل جرم) و یا کمک در تهیه مقدمات و یا لواحق جرم با علم و تسهیل

در اجراء آن و به طور کلی کمک عالمانه به مباشر جرم از طرف غیر مباشر

(۹) مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد.

و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جهتی از جهات قانونی موقوف گردد، تأثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت.

ماده ۴۵- سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم، اعم از این که عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد، از علل مشدده مجازات است.

ماده ۴۷- در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی، مختلف باشد، باید برای هر یک از جرائم، مجازات جدا گانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون، عنوان جرم خاصی داشته باشد، مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد.

تبصره: حکم تعدد جرم در حدود^{۱۰} و قصاص^{۱۱} و دیات^{۱۲} همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است.

ماده ۵۴- در جرایم موضوع مجازات های تعزیری یا بازدارنده، هرگاه کسی بر اثر اجبار، یا اکراه، که عادتاً قابل تحمل نباشد، مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبار کننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می گردد.

ماده ۵۵- هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل: آتش سوزی، سیل و توفان، به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد، مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد.

(۱۰) حد، به مجازاتی گفته می شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است. (ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی)

(۱۱) قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می شود و باید با جنایت او برابر باشد. (ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی)

(۱۲) دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.

تبصره: دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۵۶- اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است، در موارد زیر جرم محسوب نمی شود:

• در صورتی که ارتکاب عمل به امر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد.

• در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد.

ماده ۵۷- هرگاه به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود، آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند، ولی مأموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، فقط به پرداخت دیه، یا ضمان مالی محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱- هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد، در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود:

• دفاع، با تجاوز و خطر متناسب باشد.

• عمل ارتكابی، بیش از حد لازم نباشد.

• توسل به قوای دولتی، بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره: وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد.

ماده ۶۲- مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی، در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی شود، ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله^{۱۳} و قرائن موجود خوف آن باشد

۱۳) دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱- اقرار ۲- اسناد کتبی ۳- شهادت ۴- امارات ۵- قسم (ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی)

که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است.

ماده ۶۲- (مکرر) محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح ذیل، محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم، رفع اثر می گردد:

- محکومان به قطع عضو در جرائم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.
 - محکومان به شلاق در جرائم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم.
 - محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.
- تبصره ۱: حقوق اجتماعی، عبارت است از؛ حقوقی که قانون گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می باشد، از قبیل:
- الف) حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی، خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری
- ب) عضویت در کلیه انجمن ها و شوراها و جمعیت هایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می شوند.

ج) عضویت در هیأت های منصفه و امناء

د) اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری

ه) استخدام در وزارتخانه ها، سازمان های دولتی، شرکت ها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی

و) وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری

ز) انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی

ح) استفاده از نشان و مدال های دولتی و عناوین افتخاری

تبصره ۲: چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود،

در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم، رفع می شود.

تبصره ۳: در مورد جرائم قابل گذشت، در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود، اثر محکومیت کیفری زایل می گردد.

تبصره ۴: عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی شود، مگر این که تصریح شده باشد.

تبصره ۵: در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می گردد.

ماده ۱۸۳- هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد.

تبصره ۱: کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود، محارب نیست.

تبصره ۲: اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی شود.

تبصره ۳: میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست.

ماده ۱۹۷- سرقت، عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی.

ماده ۱۹۸- سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط

و خصوصیات زیر باشد:

- سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد.
- سارق در حال سرقت عاقل باشد.
- سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد.

- سارق قاصد باشد.
- سارق بداند و ملتفت باشد، که مال غیر است.
- سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است.
- صاحب مال، مال را در حرز^{۱۴} قرار داده باشد.
- سارق به تنهایی، یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد.
- سارق مضطر نباشد.
- به اندازه نصاب یعنی ۴/۵ نخود طلای مسکوک، که به صورت پول معامله می شود، یا ارزش آن به آن مقدار باشد، در هر بار سرقت شود.
- سارق پدر صاحب مال نباشد.
- سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد.
- حرز و محل نگهداری مال، از سارق غصب^{۱۵} نشده باشد.
- سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد.
- مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد.
- مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آنکه مالک شخصی ندارد، نباشد.

تبصره ۱: حرز، عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد.
تبصره ۲: بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانها طفل غیر ممیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است.

تبصره ۳: هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود، حد بر او جاری نمی شود.

تبصره ۴: هرگاه سارق پس از سرقت، مال را تحت ید مالک قرار داده باشد، موجب حد نمی شود.

(۱۴) ر.ک. به صفحه ۲۳ تبصره ۱

(۱۵) تصرف در مال غیر به نحو عدوان

ماده ۱۹۹- سرقتی که موجب حد است، بایکی از راه‌های زیر ثابت می‌شود:

• شهادت دو مرد عادل

• دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی، به شرط آنکه اقرارکننده بالغ^{۱۶} و عاقل و قاصد و مختار باشد.

• علم قاضی.

تبصره: اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند، باید مال را به صاحبش بدهد، اما حد بر او جاری نمی‌شود.

ماده ۲۰۰- در صورتی حد سرقت جاری می‌شود که شرایط زیر موجود باشد:

• صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند.

• صاحب مال پیش از شکایت، سارق را نبخشیده باشد.

• صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد.

• مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی، از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید.

• سارق قبل از ثبوت جرم، از این گناه توبه نکرده باشد.

تبصره: حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه، ساقط نمی‌شود و عفو سارق جایز نیست.

ماده ۲۰۱- حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن، به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

ج- در مرتبه سوم حبس ابد.

د- در مرتبه چهارم اعدام، ولو سرقت در زندان باشد.

(۱۶) سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است. (تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی)

تبصره ۱: سرقت‌های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده، حکم یک بار سرقت را دارد.

تبصره ۲: معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون بهک سال تا سه سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۴۹۸- هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی، بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور، تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود، به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شود.

ماده ۴۹۹- هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد، مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.

ماده ۵۰۰- هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۱- هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالم‌اً و عامداً در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند، قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند، به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم بهک تا ده سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۵۰۲- هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود، به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید، بهک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۳- هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مأمورین، یا مقامات ذی‌صلاح در حال نقشه برداری، یا گرفتن فیلم،

یا عکس برداری، از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۵۰۵- هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسئولین نظام یا مأمورین دولت یا به نحو دیگر جمع‌آوری کند، چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود، به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود.

ماده ۵۰۶- چنانچه مأمورین دولتی که مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می‌باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است، در اثر بی‌مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی، توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند، بهک تا شش ماه حبس محکوم می‌شوند.

ماده ۵۰۷- هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می‌کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند، به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد، از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد، فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۵۰۸- هر کس یا گروهی، با دُول خارجی متخاصم، به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود، بهک تا ده سال حبس محکوم می‌گردد.

ماده ۵۱۰- هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مأمور تقطیش، یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده‌اند شناخته و مخفی نماید، یا سبب اخفای آنها بشود، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

تبصره: هر کس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود.

ماده ۵۱۱- هر کس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی، تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید، یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد.

ماده ۵۱۲- هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند، صرف نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود، بهک تا پنج سال حبس محکوم می گردد.

تبصره: در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد، مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی شود.

ماده ۵۱۳- هر کس به مقدمات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهریین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب ۱۷ النبی باشد، اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۴- هر کس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان... تعالی علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۱۵- هر کس به جان رهبر و هر یک از رؤسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید، چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۳- جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته‌ها سند، یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی، خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن، یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن، یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی، یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.

ماده ۵۲۴- هر کس احکام یا امضا یا مهر یا فرمان یا دست خط مقام رهبری و یا رؤسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند، یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۵- هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند، یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند، یا داخل کشور نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد:

● احکام یا امضا یا مهر یا دست خط معاون اول رئیس جمهور یا وزرا، یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان، یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یا مجلس خبرگان، یا قضات، یا یکی از رؤسا، یا کارمندان و مسئولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان.

● مهر، یا تمبر، یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی، یا نهادهای انقلاب اسلامی

● احکام دادگاهها، یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی

● منگنیا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می‌رود.

● اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از

طرف بانکها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهد آور بانکی

تبصره: هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و

بین‌المللی و به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم

استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید، به حداکثر مجازات مقرر در این ماده

محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۷- هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تأییدیه‌ها ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند، یا با علم به جعلی بودن، آن را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتیکه مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد، یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد، به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.

ماده ۵۲۸- هر کس مهر یا منگنه علامت یکی از ادارات یا مؤسسات یا نهادهای عمومی غیر دولتی مانند شهرداری‌ها را جعل کند، یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۲۹- هر کس مهر یا منگنه علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است، یا یکی از تجارخانه‌ها را جعل کند، یا با علم به جعل، استعمال نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۲- هر یک از کارمندان و مسئولان دولتی، که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند، اعم از این که؛ امضاء یا مهری را ساخته، یا امضاء یا مهر یا خطوط را تحریف کرده، یا کلمه‌ای الحاق کند، یا اسامی اشخاص را تغییر دهد، علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده، به حبس از یک تا پنج سال، یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۳- اشخاصی که کارمند یا مسئول دولتی نیستند، هرگاه مرتکب یکی از جرایم مذکور در ماده قبل شوند، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۴- هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی، که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند، اعم از این که موضوع، یا مضمون آن را تغییر دهند، یا گفته و نوشته‌های از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند، یا امر باطلی را صحیح، یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است، اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس، از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۵- هر کس اوراق معجول مذکور در مواد (۵۳۲) و (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده، به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۶- هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال، یا سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۷- عکس برداری از کارت شناسایی، اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود، باید ممه‌ور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه

کنندگان این گونه مدارک و استفاده کنندگان از آنها به جای اصلی عالماً عامداً، علاوه بر جبران خسارت، به حبس از شش ماه تا دو سال و یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

ماده ۵۳۸- هر کس شخصاً یا توسط دیگری، برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام و وظیفه، یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند، به حبس از شش ماه تا یک سال، یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۹- هرگاه طبیب، تصدیق نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام و وظیفه، یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد، به حبس از شش ماه تا دو سال، یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته، علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد.

ماده ۵۴۰- برای سایر تصدیق نامه‌های خلاف واقع، که موجب ضرر شخص ثالثی باشد، یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد، مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده، به شلاق تا (۷۴) ضربه‌ها به دو بیست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۱- هر کس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمونها، اعم از کنکور ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، دانشسراها، مراکز تربیت معلم، اعزام دانشجوی به خارج از کشور، یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید، حسب مورد، مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی، به دو بیست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۲- مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل حداقل مجازات

تعیین شده همان مورد خواهد بود.

ماده ۵۴۳- هرگاه محلی یا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آنها را بشکند، یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود، مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد، به حبس از یک تا دو سال محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۵۴۴- هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج، یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربودها تخریب، یا بر خلاف مقررات معدوم شود، دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۴۵- مرتکبین هر یک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم خواهند گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق‌الذکر شود، به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۵۴۶- در صورتی که مرتکب به عنف^{۱۸}، مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند، یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود، یا نوشته‌ها اسناد را بر باید یا معدوم کند، حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرائمی که از قهر و تشدد حاصل شده است، نخواهد بود.

۱۸) درهم شکستن مقاومت شخص یا چیزی مانند دخول قهری در منازل اشخاص

ماده ۵۵۵- هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت، خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی، که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد، یا معرفی نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت.

ماده ۵۷۰- هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند، یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۱- هر گاه اقداماتی که برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالم‌اً آن را به کار برده باشند، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۶- چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید، به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۷- چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مأمورین انتظامی در غیر موارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین^{۱۹} یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیت‌دار قضایی رفع مداخله ننمایند، به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

۱۹) مدعی و مدعی علیه خواه طرف اصلی دعوا باشند، خواه به عنوان شخص ثالث وارد یا جلب شده باشند

ماده ۵۸۰- هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت نماید، به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجراء خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد، مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۱- هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد، یا بدون حق بر آن مسلط شود، یا مالک را اکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد.

ماده ۵۸۲- هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده، حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید، یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا ۳ سال و یا جزای نقدی از شش تا ۱۸ میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۳- هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند، یا عنفاً در محلی مخفی نماید، بهک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۴- کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق

مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد، به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۵- اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود، شخص توقیف شده را رها کند، یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد، در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد، مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.

ماده ۵۸۶- هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت، یا لباس متناسب به آنان را به تزویر اختیار کرده، یا حکم جعلی ابراز نموده باشد، علاوه بر مجازات ماده مزبور، به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۷- چنانچه مرتکب جرائم مواد قبل توقیف شده‌ها محبوس شده‌ها مخفی شده را تهدید به قتل نموده، یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد بهک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۹- در صورتی که حکام محاکم، به واسطه ارتشاء^۲ حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند، علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد.

۲۰) هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی، یا غیر رسمی، برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آن که مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد (ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۴)

ماده ۵۹۰- اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلا عوض، یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود، یا برای همان مقاصد، مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیر مستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می شود.

ماده ۵۹۱- هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه مالی که داده به او مسترد می گردد.

ماده ۵۹۲- هر کس عالماً و عامداً برای اقدام به امری، یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس^{۲۱} و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد، وجه مالی یا سند پرداخت و جها تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد، در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال، ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

تبصره: در صورتی که رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد، یا شکایت نماید، از مجازات حبس مزبور معاف

(۲۱) هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها، یا شوراها و یا شهرداری ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیر رسمی، وجوه یا مطالبات یا حواله ها، یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان ها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب می شود. (ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاه برداری مصوب ۱۳۶۴)

خواهد بود و مال به وی مسترد می‌گردد.

ماده ۵۹۳- هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء، از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال و جها مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات رایشی بر حسب مورد محکوم می‌شود.

ماده ۵۹۴- مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

ماده ۵۹۵- هر نوع توافق بین دو یا چند نفر، تحت هر قراردادی از قبیل بیع^{۲۲}، قرض، صلح و امثال آن، جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال، به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردند.

تبصره ۱: در صورت معلوم نبودن صاحب مال، مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول‌المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲: هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت و جها مال اضافی مضطر بوده، از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد.

تبصره ۳: هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند، یا زن و شوهر منعقد شود، یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند، مشمول مقررات این ماده نخواهد بود.

ماده ۵۹۸- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان

(۲۲) تملیک عین به عوض معلوم. شرط بیع این نیست که عوض مبیع پول باشد، ولی شرط این است که یکی از عوضین به عنوان ثمن داده شود

پایه قضایی و به طور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی، اعم از رسمی و غیر رسمی، و جوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق الذکر، یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد، علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال^{۲۳} یا تفریط^{۲۴} موجب تضییع اموال و جوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده‌ها در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.

ماده ۵۹۹- هر شخصی عهده‌دار انجام معامله، یا ساختن چیزی، یا نظارت در ساختن، یا امر به ساختن آن، برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله، یا تقلب در ساختن آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۰- هر یک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبها و صول و جها مالی به نفع دولت است، بر خلاف قانون یا زاید بر مقررات قانونی اقدام و وجها مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید،

(۲۳) سستی و سهل انگاری

(۲۴) تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است

(ماده ۹۵۲ قانون مدنی)

به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده، در مورد مسئولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه بر خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است، به ذی حق مسترد می گردد.

ماده ۶۰۱- هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بر حسب مأموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده، یا مباشرت حمل و نقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده، ولی نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذی حق مسترد نماید.

ماده ۶۰۲- هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که بر حسب مأموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده ای که اجیر یا استخدام کرده است، به حساب دولت منظور نماید، یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب نماید و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد، به شلاق تا (۷۴) ضربه و تأدیه^{۲۵} مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است، محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۳- هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره، یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون، یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب

آنها منظور دارد، یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد، یا در موقع پرداخت و جوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه دو برابر و جوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معاملها افزایش قیمت تمام شده آن گردد، به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تاسی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۴- هر یک از مستخدمین دولتی، اعم از قضایی و اداری، نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده، یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۵- هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و برخلاف حق در باره‌کی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد، به حبس تا سه ماه، یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۶- هر یک از رؤسا، یا مدیران، یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء، یا اختلاس، یا تصرف غیر قانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننماید، علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال، به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۷- هرگونه حملها مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد محسوب می‌شود و مجازات

آن به شرح ذیل است:

- هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال.
- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه ببرد، حبس از یک تا سه سال.
- در سایر موارد، حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره: اگر متمرّد در هنگام تمرّد، مرتکب جرم دیگری هم بشود، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸- توهین به افراد، از قبیل؛ فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف^{۲۶} نباشد، به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.

ماده ۶۰۹- هر کس با توجه به سمت، یکی از رؤسای سه قوه، یا معاونان رئیس جمهور، یا وزرا، یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یا نمایندگان مجلس خبرگان، یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات، یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام و وظیفه، یا به سبب آن توهین نماید، به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

ماده ۶۱۷- هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر، یا قدرت نمایی کند، یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی^{۲۷} یا تهدید قرار دهد، یا با کسی گلاویز شود، در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۸- هر کس با هیاهو و جنجال، یا حرکات غیر متعارف یا تعرض

(۲۶) قذف، نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری. (ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی)

(۲۷) گرفتن وجه یا چیزی از دیگری به زور یا تهدید

به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد، یا مردم را از کسب و کار باز دارد، به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۱۹- هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود، یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۰- هرگاه جرائم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود، هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۲۵- قتل و جرح و ضرب، هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود، با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی‌شود، مشروط بر این که دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است.

تبصره: مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع‌کننده بوده‌ها صاحب مال استمداد نماید.

ماده ۶۲۶- در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می‌شود، ولو این که از مأمورین دولتی صادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود.

ماده ۶۲۷- دفاع در مواقعی صادق است که:

الف- خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال، مستند به قرائن معقول باشد.
ب- دفاع متناسب با حمله باشد.

ج- توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد.

ماده ۶۲۸- مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در موقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود، ولی

هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد، در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است.

ماده ۶۵۰- هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا بهک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره: مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است.

ماده ۶۵۱- هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد، ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد:

- سرقت در شب واقع شده باشد.
- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.
- از دیوار بالا رفته‌ها حرز را شکسته‌ها کلید ساختگی به کار بردها این که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده‌ها بر خلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده‌ها در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است، سرقت کرده باشند.
- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

ماده ۶۵۲- هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد، به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد، علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می گردد.

ماده ۶۵۴- هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر

باشند و لا اقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد، در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند، جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه می باشد.

ماده ۶۵۵- مجازات شروع به سرقت های مذکور در مواد قبل، تا پنج سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه می باشد.

ماده ۶۵۶- در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون بهیگی از شرایط زیر باشد، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود:

- سرقت در جایی که محل سکنی، یا مهیا برای سکنی، یا در توابع آن یا در محل های عمومی، از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد.
- سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوتهها پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد.
- در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد.
- سارقین دو نفر، یا بیشتر باشند.
- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفتهها شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه، دکان، کارگاه، کارخانه و انبار سرقت نموده باشد.
- هرگاه اداره کنندگان هتل و مسافر خانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند.

ماده ۶۵۷- هر کس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیف زنی، جیب بری و امثال آن شود، به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۵۹- هر کس وسایل و متعلقات مربوط به تأسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت، یا با سرمایه دولت، یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله نهادها و سازمان‌های عمومی غیر دولتی، یا مؤسسات خیریه ایجاد، یا نصب شده، مانند؛ تأسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمان‌های مربوطه باشد، به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۱- در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب، حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود.

ماده ۶۶۲- هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان‌آور به این که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است، آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید، یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

در صورتی که متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می‌گردد.

ماده ۶۶۳- هر کس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذی صلاح توقیف شده است و بدون اجازه، دخالت یا تصرفی نماید که منافی با توقیف باشد، ولو مداخله کنندگان متصرف مالک آن باشد، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۴- هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید، یا هر نوع وسیله‌های برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند، به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۵- هر کس مال دیگری را بر باید و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد، به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار

صدمه‌ای به مجنی علیه وارد شده باشد، به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۶۹- هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه مال یا تقاضای انجام امری ترک فعلی را نموده‌اند، به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه، یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۳- هر کس از سفید مهر، یا سفید امضایی که به او سپرده شده است، یا به هر طریق به دست آورده سوء استفاده نماید، بهک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۴- هرگاه اموال منقول^{۲۸} یا غیر منقول^{۲۹} یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره، یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یابی، اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیای مذکور مسترد شود، یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب، یا تلف یا مفقود نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

هر کس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۷- هر کس عمداً اشیای منقول یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید، یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۷۸- هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسیله مواد

۲۸ اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد نماید (ماده ۱۹ قانون مدنی)

۲۹ مال غیر منقول آن است که از محل دیگر نتوان نقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن (ماده ۱۲ قانون مدنی)

منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب ۲ تا ۵ سال حبس است.

ماده ۶۸۱- هر کس عالم‌دفا تر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا

به هر نحو دیگری تلف کند، به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۲- هر کس عالم‌هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غير تجارتي

غير دولتي را که اتلاف آنها موجب ضرر غير است بسوزاند، یا به هر نحو ديگر

تلف کند، به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۸۷- هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل

شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس

و ماکرو و یو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها، اعم از سد

و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات

(کابل‌های هوایی یا زمینی یا نوری) و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که

به هزینه سرمایه دولت، یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا توسط

بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علائم راهنمایی

و رانندگی و سایر علایمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات

فوق، یا شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از

کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود، بدون آن که منظور او اختلال در نظم

و امنیت عمومی باشد، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: در صورتی که اعمال مذکور به منظور اختلال در نظم و امنیت جامعه

و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.

تبصره ۲: مجازات شروع به جرائم فوق یک تا سه سال حبس است.

ماده ۶۸۸- هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از

قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی

فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها،

زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پساب

تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنان چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

تبصره ۱: تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود.

تبصره ۲: منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

ماده ۶۸۹- در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود، مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۷- هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد، یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است بهک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد.

تبصره: در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشاء محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید، مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

ماده ۶۹۸- هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی، یا

مقامات رسمی، به وسیله نامه، یا شکواییه، یا مراسلات، یا عرایض یا گزارش یا توزیع هر گونه اوراق چاپی، یا خطی با امضا یا بدون امضاء، اکاذیبی را اظهار نماید، یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راساً، یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی، یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از این که از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

ماده ۶۹۹- هر کس عالماً و عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیائی را کھافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد، بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیائی که متعلق به اوست بگذارد، یا مخفی کند، یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۷۰۰- هر کس بانظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی، کسی را هجو^{۳۰} کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود.

ماده ۷۰۲- هر کس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند، به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود.

ماده ۷۰۳- هر کس مشروبات الکلی را بسازد، یا بفروشد، یا در معرض فروش قرار دهد، یا از خارج وارد کند، یا در اختیار دیگری قرار دهد، به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی، یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می شود.

فصل سوم

قانون
تشدید مجازات
مرتکبین ارتشاء، اختلاس و
کلاهبرداری

قانون تشدید مجازات

مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری

ماده ۱- هر کس از راه حيله و تقلب، مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم، یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد، یا به امور غیر واقع امیدوار نماید، یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر و جوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود.

در صورتی که شخص مرتکب، بر خلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت‌های دولتی یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا این که جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل: رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی

صورت گرفته باشد، یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی، یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها، یا نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد، علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است، محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در کلیه موارد مذکور در این ماده، در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد، ولی نمی‌تواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲- مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مستخدامان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌تراز آنها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

ماده ۳- هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه، یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیماً قبول نماید، در حکم مرتشی است، اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آن که مربوط به مأمور

دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم‌تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یک سال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم‌تراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس، به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پائین‌تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد، به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد، مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس، به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا هم‌تراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- مبالغ مذکور از حیث تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم، اعم از این است که جرم دفعه واحده و یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مأخوذه

بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۲- در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشاء به عنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد، این امتیاز لغو خواهد شد.

تبصره ۳- مجازات شروع به ارتشاء حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود (در مواردی که در اصل ارتشاء انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشاء به جای آن سه سال انفصال تعیین می شود) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد، به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- هرگاه میزان رشوه بیش از مبلغ دو سیست هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت، هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۵- در هر مورد از موارد ارتشاء هرگاه راشی قبل از کشف جرم مأمورین را از وقوع بزه آگاه سازد، از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل می شود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید، تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است، به وی باز گردانده می شود و امتیاز نیز لغو می گردد.

ماده ۴- کسانی که با تشکیل، یا رهبری شبکه چند نفری، به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند، علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند به نفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده

سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

ماده ۵- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از؛ رسمی یا غیررسمی، وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است، به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد، به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد، علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورت اتلاف عمدی، مرتکب علاوه بر ضمانت به مجازات اختلاس محکوم می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس و یک تا پنج سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد، به هفت تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد، علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس، به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۳- هرگاه مرتکب اختلاس، قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید، دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی

معاف می‌نماید و اجرای مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.

تبصره ۴- حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعه واحده، یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵- هرگاه میزان اختلاس زاید بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی، از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ گونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶- در کلیه موارد مذکور، در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.

ماده ۶- مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور، چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر و یا هم‌تراز آنها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند، به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

ماده ۷- در هر مورد از بزه‌های مندرج در این قانون، که مجازات حبس برای آن مقرر شده در صورتی که مرتکب از مأمورین مذکور در این قانون باشد از تاریخ صدور کیفرخواست از شغل خود معلق خواهد شد. دادسرا مکلف است

صدور کیفرخواست را به اداره یا سازمان ذی ربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رأی قطعی برائت حاصل کند ایام تعلیق جز خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که به علت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

ماده ۸- کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است، مشمول این قانون خواهند بود. همچنین کلیه مقررات مغایر با این قانون لغو می‌شود.

فصل چهارم

**قانون
مبارزه با مواد مخدر
با اصلاحات و الحاقات ۸۹**

قانون مبارزه با مواد مخدر

با اصلاحات و الحاقات ۸۹

- ماده ۱-** اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:
- ۱- کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.
 - ۲- وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.
 - ۳- نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.
 - ۴- دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.
 - ۵- استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.
 - ۶- تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر داروئی.

۷- قرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومیت مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی که تحت تعقیبند و یا دستگیر شده‌اند.

۸- امحاء یا اخفاء ادله جرم مجرمان.

۹- قرار دادن مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری.

تبصره ۱- منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصاء یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام می‌گردد.

تبصره ۲- رسیدگی به جرائم مواد روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی تابع مقررات رسیدگی به جرائم مواد مخدر می‌باشد.

ماده ۲- هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد:

۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی.

۲- بار دوم، ۵۰ تا ۵۰۰ میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳- بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.

۴- بار چهارم، اعدام.

تبصره- هرگاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازات‌های مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۱۰ تا

۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
ماده ۳- هر کس بذریا گرز خشخاش یا بذریا برگ کوکا و یا بذریا شاهدانه را نگهداری، مخفی و یا حمل کند به یک میلیون تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذریا شاهدانه قصد تولید مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی از آنها باید احراز شود.

ماده ۴- هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.
 ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس.

۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون ریال تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس.

۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.
 تبصره- هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد، دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۵- هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری،

مخفی یا حمل کند، با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

- ۱- تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق.
- ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.
- ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس.
- ۴- بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم، شصت تا دو بیست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازات‌های مذکور، به جای جریمه، مصادره اموال ناشی از همان جرم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.
- ۵- بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازاء هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می‌گردد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.
- ۶- بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم. تبصره- مرتکبین جرائم فوق چنانچه به صورت زنجیرهای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد، مشمول مجازات‌های ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد، به مجازات‌های این ماده محکوم می‌گردند.

ماده ۶- مرتکبین جرائم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲ و ۳ دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر، برای بار دوم به یک برابر و نیم، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه‌های بعد به ترتیب دو و نیم، سه، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. چنانچه در نتیجه

تکرار جرائم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلو گرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرائم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلو گرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد.

ماده ۷- در صورتی که مرتکب جرائم مذکور در مواد ۴ و ۵ از کارکنان دولت یا شرکت های دولتی و مؤسسات و سازمان ها و شرکت های وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد، علاوه بر مجازات های مذکور در مواد قبل برای بار اول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود.

ماده ۸- هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و بایلیزژیک اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آمفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازپام، آمفتامین، مت آمفتامین (شیشه) و یاد دیگر مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر داروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می رسد را وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد.

۱- تا پنج سانتی گرم، از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق.

۲- بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۳- بیش از یک گرم تا چهار گرم، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه

نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق.

۴- بیش از چهار گرم تا پانزده گرم، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۵- بیش از پانزده گرم تا سی گرم، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق.

۶- بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره ۱- هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد، با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال ناشی از همان جرم، حکم خواهد داد.

تبصره ۲- در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکت‌های دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازات‌های مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۹- مجازات‌های مرتکبین جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می‌باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود، حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجراء خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد، مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ماده ۱۱- مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی

غیرداری موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجراء خواهد شد.

ماده ۱۳- هرگاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هرگاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می‌گردد.

ماده ۱۴- هر کس به منظور استعمال مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر دارویی مکانی را دایر و یا اداره کند، به پنج میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شود. مجازات تکرار این جرم، دو تا چهار برابر مجازات بار او خواهد بود.

تبصره- در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد، علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد تولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می‌افتد و در صورت تکرار جرم، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می‌شود.

ماده ۱۵- معتادان مکلفند با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیر دولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم نهاد در مان و کاهش آسیب، اقدام به ترک اعتیاد نمایند. معتادی که با مراجعه به مراکز مذکور نسبت به درمان خود اقدام و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت نماید، چنانچه تجاهر^۲ به اعتیاد

(۲) تظاهر به کاری کردن- آشکارا و بی پروا مرتکب عملی شدن

نماید، از تعقیب کیفری معاف می‌باشد. معتادانی که مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننمایند، مجرمند.

تبصره ۱- مراکز مجاز موضوع این ماده، براساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رفاه و تأمین اجتماعی ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون تهیه و به تصویب ستاد می‌رسد، تعیین می‌شود.

تبصره ۲- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است ضمن تحت پوشش درمان و کاهش آسیب قراردادن معتادان بی بضاعت، تمام هزینه‌های ترک اعتیاد را مشمول بیمه‌های پایه و بستری قرار دهد. دولت مکلف است همه ساله در لوائح بودجه، اعتبارات لازم را پیش‌بینی و تأمین نماید.

ماده ۱۶- معتادان به مواد مخدر و روان‌گردان مذکور در دو ماده (۴) و (۸) فاقد گواهی موضوع ماده (۱۵) و متجاهر به اعتیاد، با دستور مقام قضایی برای مدت یک تا سه ماه در مراکز دولتی و مجاز درمان و کاهش آسیب نگهداری می‌شوند. تمدید مهلت برای یک دوره سه ماهه دیگر با درخواست مراکز مذکور بلا مانع است. با گزارش مراکز مذکور و بنابر نظر مقام قضایی، چنانچه معتاد آماده تداوم درمان طبق ماده (۱۵) این قانون باشد، تداوم درمان وفق ماده مزبور بلا مانع می‌باشد.

تبصره ۱- با درخواست مراکز مذکور و طبق دستور مقام قضایی، معتادان موضوع این ماده مکلف به اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج می‌باشند، که بنابر پیشنهاد دبیرخانه ستاد با همکاری دستگاه‌های ذیربط، تهیه و به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد.

تبصره ۲- مقام قضایی می‌تواند برای یک بار با اخذ تأمین مناسب و تعهد به ارائه گواهی موضوع ماده (۱۵) این قانون، نسبت به تعلیق تعقیب به مدت شش ماهه اقدام و معتاد را به یکی از مراکز موضوع ماده مزبور معرفی نماید. مراکز مذکور موظفند ماهیانه گزارش روند درمان معتاد را به مقام قضایی یا نماینده وی

ارائه نمایند. در صورت تایید درمان و ترک اعتیاد با صدور قرار موقوفی تعقیب توسط دادستان، پرونده بایگانی و در غیراین صورت طبق مفاد این ماده اقدام می شود. تمدید مهلت موضوع این تبصره با درخواست مراکز ذیربط برای یک دوره سه ماهه دیگر بلا مانع است.

تبصره ۳- متخلف بدون عذر موجه از تکالیف موضوع تبصره (۲) این ماده به حبس از نود و یک روز تا شش ماه محکوم می شود.

ماده ۱۷- چنانچه اتباع جمهوری اسلامی ایران با هر قصدی اقدام به نگهداری، حمل یا قاچاق هر مقدار مواد موضوع این قانون به داخل یا خارج از کشور نمایند، از زمان قطعی شدن حکم به مدت یک تا پنج سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می شوند و در صورت تکرار، به مدت پنج تا پانزده سال گذرنامه آنان ابطال و ممنوع الخروج می شوند. صدور هر گونه گذرنامه برای اتباع ایرانی که در خارج از کشور به سبب جرائم موضوع این قانون محکوم شده اند، مشمول ممنوعیت موضوع این ماده می باشد.

ماده ۱۸- هر کس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند، یا به خدمت گمارد.

۲- استعمال مواد مذکور در ماده (۸) به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تاده میلیون ریال جزای نقدی.

ماده ۲۰- هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیر دارویی را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند، علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود. مرتکبین نگهداری، اخفاء یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازاء هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می باشند.

ماده ۲۱- هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است عالماً و عامداً پناها قرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند در هر مورد، به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن رافرار یا پناه داده است محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تاده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره ۱- مجازات اقریای در جهک متهم در هر حال بیش از یک دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود.

تبصره ۲- در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می‌شود.

ماده ۲۲- هر کس متهم موضوع این قانون را پس از دستگیری و نیز محکوم موضوع این قانون را پناها فرار دهد و یا در فرار آنها همکاری و مشارکت نماید، به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام، مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی خواهد بود.

تبصره ۲- در موارد مشمول دو ماده ۲۱ و ۲۲ در صورتی که متهم اصلی پس از دستگیری تیره شده، اجرای احکام بلافاصله نسبت به ترخیص او اقدام و همچنین چنانچه متهم اصلی به جرم خفیف تری محکوم گردد در هر صورت محکومیت فرار یا پناه دهنده وفق ماده ۳۲ این قانون قابل تجدید نظر می‌باشد.

ماده ۲۳- هر کس عالماً و عامداً به امحاء یا اخفاء ادله جرم مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می‌شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۲۴- هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکایا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتباً به دهدار و نزدیکترین پاسگاه‌ها حوزه انتظامی اطلاع دهد. فرماندهان پاسگاه‌ها و حوزه‌های انتظامی موظفند فوراً و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به اتفاق دهدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحاء و صورتجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضائی تحویل نمایند.

تبصره- در صورتی که خشخاش یا کوکایا شاهدانه در حوزه‌های شهری کشت یا روئیده شده باشد، مأمورین (نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی مقاومت بسیج منطقه) حسب مورد موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیک‌ترین پاسگاه انتظامی و یا پایگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسئولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضائی ذیصلاح وفق مقررات این ماده اقدام نمایند.

ماده ۲۵- اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند، بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می‌شوند.

ماده ۲۶- هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد، به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد.

ماده ۲۷- هرگاه شخصی دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح، تعمداً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرائم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

ماده ۲۸- کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.

تبصره- وسایل نقلیه‌ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی به دست می‌آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می‌کند.

ماده ۲۹- جریمه‌ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون به حساب متمرکزی که در وزارت امور اقتصادی و دارائی افتتاح می‌شود، واریزی می‌گردد. این وجوه با تصویب ستاد مذکور در ماده ۳۳ و تأیید رئیس جمهور هزینه می‌شود.

ماده ۳۰- وسائط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی شناخته می‌شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد، وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌شود.

تبصره- کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی در وسائط نقلیه می‌نمایند، در صورت وقوع یک جرم به عنوان معاون در جرم ارتكابی و در غیر آن از سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می‌شوند.

ماده ۳۱- محکومانسی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی

مورد حکم نباشند، باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندان‌های نیمه باز و باز و یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی اقامت نمایند، در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد، بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز و موافقت اجرای احکام، مبلغ فوق به ازای روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می‌شود.

تبصره ۱- تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام، منوط است به اخذ وثیقه‌های معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد

تبصره ۲- طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ده سال نخواهد بود.

ماده ۳۲- احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می‌شود پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور و یادداشتان کل کشور قطعی و لازم الاجرا است. در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رئیس دیوان عالی کشور و یادداشتان کل کشور در مظان آن باشد که برخلاف شرع یا قانون است و یا آنکه قاضی صادر کننده حکم صالح نیست، رئیس دیوان عالی کشور و یادداشتان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست.

ماده ۳۳- به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرائی و قضائی و برنامه‌های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود، اعضای ستاد به شرح زیر می‌باشند:

۱- رئیس جمهور

۲- دادستان کل کشور

۳- وزیر کشور

۴- وزیر اطلاعات

۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۶- وزیر آموزش و پرورش

۷- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

۸- فرمانده نیروی انتظامی

۹- سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی ایران

۱۰- سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی

۱۱- فرمانده نیروی مقاومت بسیج

۱۲- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

تبصره ۱- رئیس جمهور می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نفر نماینده از جانب خود تعیین نماید.

تبصره ۲- برای پیشگیری از ارتکاب جرائم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه ای برای این امر اختصاص و به دستگاه های ذیربط موضوع همین ماده ابلاغ نماید.

ماده ۳۴- به ستاد مبارزه با مواد مخدر اجازه داده می شود که براساس ضرورت به تهیه و تدوین آئین نامه های اجرایی مورد نیاز اقدام نماید.

ماده ۳۵- هر کس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید، به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می شود.

ماده ۳۶- در کلیه مواردی که در این قانون، مرتکبین علاوه بر مجازات های

مقرر به مصادره اموال ناشی از جرائم موضوع این قانون محکوم می‌شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید. تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌باشد.

تبصره - محاکم موظفند رونوشت کلیه احکام صادر شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند.

ماده ۳۷- طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از ۴ ماه نخواهد بود، چنانچه در مدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد، مرجع صادر کننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می‌باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای ابقاء قرار بازداشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقاء می‌شود.

ماده ۳۸- دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات‌های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد، همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه‌ها گردد دادگاه صادر کننده رأی می‌تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد.

ماده ۳۹- در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم در کلیه موارد مصرح در این قانون محکومیت‌ها یا سوابق بعد از اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۶۷ مناط اعتبار است.

ماده ۴۰- هر کس عالماً عامداً به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر، یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیائی از قبیل انیدرید استیک، اسید انتر اتیلیک، اسید فنیل استیک، کلرور استیل و سایر مواد مندرج در جداول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان مصوب میلادی ۱۹۸۸ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن بنماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف، نگهداری یا صدور کدئین و متادون اقدام بنماید با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.

ماده ۴۱- ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد ممنوع، حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی است.

تبصره- کشت شقایق پایاور سامنیو فرم الی فرا به درخواست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تحت نظر وزارت جهاد کشاورزی و با نظارت ستاد مبارزه با مواد مخدر، برای مصارف دارویی و تأمین داروهای جایگزین بلا مانع است.

ماده ۴۲- به قوه قضائیه اجازه داده می‌شود که بخشی از محکومان مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی را به جای زندان در اردوگاه‌های خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نمایند.

دولت موظف است؛ اعتبارات و تسهیلات و مقررات لازم را برای تهیه و اداره این اردوگاه‌ها در ظرف مدت یک سال تأمین کند.

تبصره ۱- اداره این اردوگاه‌ها به عهده قوه قضائیه است.

تبصره ۲- دادگاه‌هایی توانند به جای کیفر حبس کیفر توقف در اردوگاه‌ها

را برای محکومین معین نمایند.

ماده ۴۳- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اجازه دارد در چارچوب موافقتنامه‌های قانونی دو یا چند جانبه بین جمهوری اسلامی ایران و سایر دولتها با مشارکت مأمورین دیگر کشورها به منظور شناسایی مجرمین موضوع این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف طرق ورود یا عبور محموله‌های قاچاق از کشور، کشف وسایل یا مکان کشت یا تولید یا ساخت مواد مذکور با تنظیم طرح عملیاتی و درخواست فرمانده نیروی انتظامی با حکم دادستان کل کشور، محموله‌های تحت کنترل را در قلمرو داخلی و با موافقت سایر کشورها در قلمرو آن کشورها مورد تعقیب قرار داده و پس از تکمیل تحقیقات، گزارش اقدام را به دادستان کل کشور یا قاضی ای که او تعیین می‌کند تسلیم نماید. هرگونه تغییر در طرح عملیاتی مذکور در حین اجراء با مجوز کتبی دادستان کل کشور بلا مانع است.

تبصره ۱- در هر حال احراز هویت و درج مشخصات مأموران دیگر کشورها در طرح عملیات الزامی می‌باشد. ضبط، جایگزینی کلی و یا جزئی و یا اجازه عبور محموله‌های موضوع این ماده از کشور و یا اخذ، نگهداری، اخفا، حمل و یا تحویل مواد مخدر و روانگردان صنعتی غیر دارویی و یا تهیه وسایل و تسهیل اقدامات مورد نیاز توسط ضابطان طبق موافقت‌نامه‌های قانونی دو یا چند جانبه و با رعایت کنوانسیون‌های الحاقی با حکم دادستان کل کشور بلا مانع است.

تبصره ۲- رسیدگی به اتهامات متهمان موضوع این ماده در مرحله دادرسی در صلاحیت مرجع قضایی است، که از طرف دادستان کل کشور تعیین می‌شود.

ماده ۴۴- وزارت اطلاعات مکلف است ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطق‌های و بین‌المللی قاچاق سازمان یافته مرتبط با جرائم موضوع این قانون، در حوزه اختیارات قانونی نسبت به شناسایی و تعقیب آنها با حکم دادستان کل یا قاضی ای که او تعیین می‌کند، اقدام و همچنین نسبت به ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح نیز اقدام نماید.

فصل
پنجم

**قانون
آئین دادرسی
دادگاه‌های عمومی و انقلاب
(در امور کیفری)**

قانون

آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

(در امور کیفری)

ماده ۱- آئین دادرسی کیفری، مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرائم و تعقیب مجرمان و نحوه رسیدگی و صدور رأی و تجدید نظر و اجرای احکام و تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی وضع شده است.

ماده ۲- کلیه جرائم دارای جنبه الهی است و بشرح ذیل تقسیم می‌گردد:
اول- جرائمی که مجازات آن در شرع معین شده، مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی.

دوم- جرائمی که تعدی به حقوق جامعه و یا محل نظم همگانی می‌باشد.
سوم- جرائمی که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است.

تبصره ۱- تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام، یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر

گردیده و ترتیب آن بشرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می باشد.
تبصره ۲- جرمی که دارای دو جنبه باشد، می تواند موجب دو ادعا شود.
الف- ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی.
ب- ادعای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی.

ماده ۳- تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضایی می باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می گردد.
ماده ۴- جرائم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته بشرح زیر تقسیم می شوند:

● **جرائمی که تعقیب آنها به عهده رئیس حوزه قضایی است، چه شاکی خصوصی شکایت کرده، یا نکرده باشد.** رئیس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.

● **جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد.**

● **جرائمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.**

تبصره- تفکیک و تعیین اینکه امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است به موجب قانون می باشد.

ماده ۵- تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مباشر، شریک و معاون جرم خواهد بود.

ماده ۶- تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد، موقوف نمی شود، مگر در موارد زیر:

اول- فوت متهم، یا محکوم علیه، در مجازات‌های شخصی
دوم- گذشت شاکي، یا مدعی خصوصی، در جرائم قابل گذشت

سوم- مشمولان عفو

چهارم- نسخ^۲ مجازات عمومی

پنجم- اعتبار امر مختومه

ششم- مرور زمان در مجازات‌های بازدارنده^۳

تبصره- هرگاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.

ماده ۷- هرگاه تعقیب امر جزایی به جهتی از جهات قانونی موقوف و یا منتهی به صدور حکم برائت شود، رسیدگی به جهات دیگر انجام خواهد گرفت.

ماده ۹- شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص^۴ و قذف^۵ پیدا کرده و آن را مطالبه می کند مدعی خصوصی و شاکي نامیده می شود.

ضرر و زیان قابل مطالبه به شرح ذیل می باشد:

- ضرر و زیان‌های مادی که در نتیجه ارتکاب جرم حاصل شده است.
- منافع‌ی که ممکن‌الاحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می شود.

ماده ۱۵- ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و

(۲) در لغت به معنی از بین بردن و محو کردن و ازاله است، نسخ قانونی عبارت است از اسقاط اعتبار یک قانون (توسط کسی که اختیار قانونی آن را دارد) به وسیله قانون دیگر

(۳) ر.ک. به صفحه ۱۱

(۴) ر.ک. به صفحه ۱۶

(۵) ر.ک. به صفحه ۵۲

جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از:

- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.
- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.
- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول نماید.
- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.

تبصره- گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند.

ماده ۱۶- ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند در صورت تخلف به سه ماه تا یکسال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷- ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رئیس حوزه قضایی است.

ماده ۱۹- تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.

ماده ۲۱- جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود:

- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته و یا آثار جرم را بلافاصله

پس از وقوع مشاهده کنند.

- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضح‌ها اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته‌ها در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.
- در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید.
- وقتی که متهم ولگرد باشد.

ماده ۲۲- هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد، قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند، به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می دهند.

ماده ۲۳- در مورد جرائم مشهود، که رسیدگی به آنها از صلاحیت مقام قضایی محل خارج است، مقام قضایی محل مکلف است کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بدانند، به عمل آورده و نتیجه اقدامات خود را سریعاً به مقام قضایی صالح اعلام نماید.

تبصره- در مورد اشخاصی که رسیدگی به جرائم آنان در صلاحیت دادگاه‌های مرکز می باشد، ضمن اعلام مراتب منحصر "آثار و دلایل جرم جمع آوری و بلافاصله به مرکز ارسال خواهد گردید.

ماده ۲۴- ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت،

می تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلا فاصله کتبا "به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تکلیف می نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد، هر چند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

ماده ۲۵- ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده اند، به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می شود.

ماده ۳۶- در حقوق الناس جواز بازداشت متهم منوط به تقاضای شاکی است.

ماده ۴۴- هرگاه در برابر دادرسان و قضات تحقیق هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، دادرسان و قضات تحقیق می توانند از قوای نظامی و انتظامی استفاده کنند. قوای یاد شده مکلف به انجام آن هستند.

ماده ۴۵- دادرسان، قضات تحقیق و ضابطین نمی توانند به عذر اینکه متهم مخفی شده معین نیست و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف سازند.

ماده ۵۱- دادگاه ها فقط در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق و رسیدگی می کنند:

- الف) جرم در حوزه قضائی آن دادگاه واقع شده باشد.
- ب) جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده، ولی در حوزه قضائی آن دادگاه کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد.
- ج) جرم در حوزه دادگاه دیگر واقع ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد.
- ماده ۵۶-** شرکاء و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد.
- ماده ۶۵-** جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی به قرار زیر است:

- الف) شکایت شاکی.
- ب) اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود.
- ج) جرائم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد.
- د) اظهار و اقرار متهم.
- تبصره- شروع به تحقیقات و رسیدگی منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی می باشد.
- ماده ۹۷-** چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.
- ماده ۹۸-** تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود.
- تبصره- هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید، کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می تواند با قید مراتب در صورتجلسه، دستور باز کردن محل را بدهد.

ماده ۹۹- اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند، ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی

ماده ۱۰۴- در مواردی که ملاحظه، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخبراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد، قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده ضبط می نماید. استنکاف متهم از امضاء در صورت مجلس قید می شود و چنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود.

تبصره- کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است.

ماده ۱۰۵- مقامات و مامورین وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداریها و مأموران به خدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است، مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مراجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که در این صورت باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال خواهد شد.

ماده ۱۱۶- متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام نماید.

جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

- نرسیدن احضارنامه‌ها دیر رسیدن، به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود.
- مرضی که مانع از حرکت است.
- فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم.
- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن.
- عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری، مانند طغیان رودخانه و امراض مسری، از قبیل وبا و طاعون.
- در توقیف بودن.

ماده ۱۱۷- اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند، به دستور قاضی جلب می شوند.

ماده ۱۱۸- قاضی می تواند در موارد زیر بدون اینکه بدواً "احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص، اعدام و قطع عضو می باشد.

ب- متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.

ماده ۱۱۹- جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید. برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است، باید به متهم ابلاغ شود.

ماده ۱۲۸- متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود.

تبصره- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد با حضور غیر متهم به

تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

ماده ۱۳۲- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید:

- **التزام به حضور با قول شرف.**
- **التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف^۱ تبدیل به وجه الكفاله.**
- **اخذ کفیل^۲ با وجه الكفاله.**
- **اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی، یا مال منقول و غیر منقول.**
- **بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون.**

تبصره- قاضی مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه گذار (چنانچه وثیقه گذار غیر از متهم باشد) تفهیم نماید، در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذار نسبت به وصول وجه الكفاله و ضبط وثیقه طبق مقررات این قانون اقدام خواهد شد.

ماده ۱۴۸- قاضی، اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامات ذیربط یا به تقاضای متهم برای روشن شدن اتهام لازم بدانند، برابر اصول مقرر احضار می نماید.

ماده ۱۴۹- شهود تحقیق و مطلعین به دستور قاضی توسط ضابطین یا مامورین ابلاغ و یا به هر طریقی که قاضی مقتضی بدانند، با رعایت مفاد ماده (۸۶)

(۶) سر باز زدن، امتناع کردن، سرپیچی

(۷) کفالت عقدی است که به موجب آن یک طرف در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می کند.

متعهد را کفیل و ثالث را مکفول و طرف دیگر عقد (متعهد له) را مکفول له گویند

این قانون احضار می شوند.

ماده ۱۵۵- در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می نماید، لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد:

- بلوغ
- عقل
- ایمان
- طهارت مولد^۸
- عدالت
- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی
- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا
- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی

تبصره ۱- در مورد عداوت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد پذیرفته می شود.

تبصره ۲- در حقوق الناس شهادت در صورتی پذیرفته خواهد بود که به دستور دادگاه صورت گیرد.

تبصره ۳- کسی که سابقه فسق یا اشتهار به فساد دارد، چنانچه به منظور ادای شهادت توبه کند، تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۶۸- جرح عبارت است از ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه طرفین دعوا صورت می گیرد.

ماده ۱۷۰- در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست بلکه گواهی مطلق به تعدیل^۹ یا جرح کفایت می کند.

(۸) یعنی مشروع بودن نسب (یا حلال زاده بودن)

(۹) شهادت بر عدالت کسی را گویند

تبصره ۱- در شهادت به جرح یا تعدیل، علم به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر برای احراز کافی نیست، مگر این که کاشف از عدالت باشد.

تبصره ۲- چنانچه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد بایکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است، مگر اینکه حالت سابقه شاهد احراز شده باشد.

ماده ۱۸۸- محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:

- اعمال منافی عفت و جرائمی که برخلاف اخلاق حسنه است.
- امور خانوادگی یا دعوی خصوصی به درخواست طرفین.
- علنی بودن محاکمه محل امنیت یا احساسات مذهبی باشد.

تبصره ۱ منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی عنه باشد، منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره، در حکم افترا است. (اصلاح به موجب قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵).

تبصره ۲- اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیر علنی شدن محاکمه نیست و باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود، رئیس دادگاه می‌تواند کسانی را که باعث اخلال نظم می‌شوند از یک تا پنج روز توقیف نماید، دستور دادگاه قطعی است و فوری به اجراء گذارده خواهد شد. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند یادآور می‌شود.

تبصره ۳- در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء،

مداخله‌ها تبانی، یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرائم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرائم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یکصد میلیون (۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال یا بیشتر از آن باشد.

تبصره ۴ مرجع تجدید نظر موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید، در صورت تأخیر بدون عذر موجه قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظامی از درجه (۴) به بالاتر محکوم می‌شوند.

تبصره ۵- هر یک از مقامات قضایی یا اجرایی که از تکلیف موضوع این ماده تخلف نماید یا به نحوی از انحاء مانع از اجرای آن گردد به مجازات مقرر در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. (الحاق بموجب قانون اصلاح تبصره (۱) ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن مصوب ۱۳۸۵).

فصل
نهم

قانون مدنی
جمهوری اسلامی ایران

قانون مدنی

ماده ۱۰- قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

ماده ۲۴- هیچ کس نمی تواند طرق و شوارع عامه و کوچه‌هایی را که آخر آنها مسدود نیست، تملک نماید.

ماده ۲۵- هیچ کس نمی تواند اموالی را که مورد استفاده عموم است و مالک خاص ندارد، از قبیل؛ پلها و کاروانسراها و آب انبارهای عمومی و مدارس قدیمه و میدان‌گاه‌های عمومی، تملک کند. و همچنین است قنوات و چاههایی که مورد استفاده عموم است.

ماده ۲۱۱- برای این که متعاملین، اهل محسوب شوند، باید بالغ و عاقل و رشید باشند.

ماده ۲۱۲- معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید^۱ نیستند به واسطه عدم اهلیت^۲ باطل است.

(۱) کسی که دارای وصف رشد است و در مقابل غیر رشید یا سفیه استعمال می‌شود. رشد کیفیت نفسانی است که دارنده آن می‌تواند نفع و ضرر (در رشد مدنی) یا حسن و قبح (در رشد جزایی) را تشخیص دهد. چنین کسی را رشید می‌گویند

(۲) صفت کسی است که دارای جنون، صغه، صغر، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق (کلا یا بعضاً) نباشد

- ماده ۲۱۳-** معامله محجورین^۳ نافذ نیست.
- ماده ۳۰۸-** غصب، استیلا^۴ بر حق غیر است، به نحو عدوان. اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.
- ماده ۳۰۹-** هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آن که خود او تسلط بر آن مال پیدا کند، غاصب محسوب نمی شود، لیکن در صورت اتلاف یا تسبیب^۵ ضامن خواهد بود.
- ماده ۴۳۸-** تدلیس، عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. در صورتی که اموال مشترک متعدد باشد، قسمت اجباری در بعضی از آنها ملازم با تقسیم باقی اموال نیست.
- ماده ۷۳۴-** کفالت، عقدی است که به موجب آن احد طرفین در مقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می کند. متعهد را کفیل، شخص ثالث را مکفول و طرف دیگر را مکفول له می گویند.
- ماده ۷۳۵-** کفالت به رضای کفیل و مکفول له واقع می شود.
- ماده ۷۵۲-** صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی، در مورد معامله و غیر آن واقع شود.
- ماده ۷۵۶-** حقوق خصوصی که از جرم تولید می شود، ممکن است مورد صلح واقع شود.
- ماده ۹۵۱-** تعدی، تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف است نسبت به مال یا حق دیگری.
- ماده ۹۵۲-** تفریط، عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا

۳) اشخاصی که فاقد اهلیت استیفاء هستند محجور نامیده میشوند (صفای، دکتر حسین، حقوق مدنی اشخاص و محجورین ص ۱۵۱)

۴) دست یافتن - چیره شدن - مالک شدن

۵) وارد کردن ضرر به مال غیر که فعل منشاء ضرر به وسیله خود فاعل، به هدف هدایت نشده باشد، بلکه بر اثر تقصیر یابی مبالغه و غفلت و عدم احتیاط وی ضرری متوجه غیر گردد

متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.

ماده ۹۶۹- اسناد، از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تنظیم خود می باشند.
ماده ۹۸۲- اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره مند می شوند، لیکن نمی توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

- ۱- ریاست جمهوری و معاونین او
- ۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
- ۳- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- ۴- عضویت در مجلس شورای اسلامی
- ۵- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
- ۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی
- ۷- قضاوت
- ۸- عالی ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
- ۹- تصدی پست های مهم اطلاعاتی و امنیتی

ماده ۱۰۰۲- اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.

ماده ۱۰۰۳- هیچ کس نمی تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

ماده ۱۲۰۷- اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

- ۱- صغار
- ۲- اشخاص غیر رشید
- ۳- مجانین

ماده ۱۲۰۸- غیر رشید، کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد.

ماده ۱۲۵۹- اقرار، عبارت از اخبار به حقی است، برای غیر بر ضرر خود.

ماده ۱۲۶۰- اقرار واقع می شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

ماده ۱۲۶۱- اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد صحیح است.

ماده ۱۲۶۲- اقرار کننده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد، بنابر این اقرار صغیر و مجنون در حال دیوانگی و غیر قاصد و مکره مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۳- اقرار سفیه در امور مالی مؤثر نیست.

ماده ۱۲۶۴- اقرار مفلس و ورشکسته نسبت به اموال خود بر ضرر دیان

نافذ نیست.

ماده ۱۲۷۵- هر کس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود.

ماده ۱۲۷۶- اگر کذب اقرار نزد حاکم ثابت شود، آن اقرار اثری نخواهد داشت.

ماده ۱۲۷۷- انکار بعد از اقرار مسموع نیست، لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار

او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده، شنیده می شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند، که قابل قبول باشد: مثل این که بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده، لیکن دعوای مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست.

ماده ۱۲۷۸- اقرار هر کس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او

نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.

ماده ۱۲۷۹- اقرار شفاهی واقع در خارج از محکمه را در صورتی می توان

به شهادت شهود اثبات کرد، که اصل دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد و یا ادله و قرائنی بر وقوع اقرار موجود باشد.

ماده ۱۲۸۰- اقرار کتبی در حکم اقرار شفاهی است.

ماده ۱۲۸۴- سند، عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد.

ماده ۱۲۸۵- شهادت نامه سند محسوب نمی شود و فقط اعتبار شهادت را خواهد داشت.

ماده ۱۲۸۶- سند بر دو نوع است: رسمی و عادی.

ماده ۱۲۸۷- اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند، رسمی است.

ماده ۱۲۸۸- مفاد سند در صورتی معتبر است، که مخالف قوانین نباشد.

ماده ۱۲۸۹- غیر از اسناد مذکوره در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد عادی است.

ماده ۱۳۰۹- در مقابل سند رسمی یا سندی که اعتبار آن در محکمه محرز شده، دعوی که مخالف با مفاد یا مندرجات آن باشد، به شهادت اثبات نمی گردد.

ماده ۱۳۱۳- در شاهد، بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد شرط است.

تبصره ۱: عدالت شاهد باید با یکی از طرق شرعی برای دادگاه احراز شود.

تبصره ۲: شهادت کسی که نفع شخصی به صورت عین یا منفعت یا حق

رد دعوی داشته باشد و نیز شهادت کسانی که تکدی را شغل خود قرار دهند پذیرفته نمی شود.

ماده ۱۳۱۵- شهادت باید از روی قطع و یقین باشد نه به طور شک و تردید.

ماده ۱۳۱۶- شهادت باید مطابق با دعوی باشد، ولی اگر در لفظ، مخالف

و در معنی موافق یا کمتر از ادعا باشد، ضرری ندارد.

ماده ۱۳۱۷- شهادت شهود باید مفاداً متحد باشد، بنابراین اگر شهود به

اختلاف شهادت دهند، قابل اثر نخواهد بود، مگر در صورتی که از مفاد اظهارات آنها قدر متقنی به دست آید.

ماده ۱۳۱۸- اختلاف شهود در خصوصیات امر اگر موجب اختلاف در

موضوع شهادت نباشد، اشکالی ندارد.

ماده ۱۳۱۹- در صورتی که شاهد از شهادت خود رجوع کند، یا معلوم شود بر خلاف واقع شهادت داده است به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.

ماده ۱۳۲۰- شهادت بر شهادت در صورتی مسموع است که شاهد اصل، وفات یافته یا به واسطه مانع دیگری مثل بیماری و سفر و حبس و غیره نتواند حاضر شود.

ماده ۱۳۲۵- در دعوی که به شهادت شهود قابل اثبات است، مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید.

ماده ۱۳۲۶- در موارد ماده فوق، مدعی علیه نیز می‌تواند در صورتی که مدعی سقوط دین یا تعهد یا نحو آن باشد، حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند.

ماده ۱۳۳۵- توسل به قسم وقتی ممکن است که دعوی مدنی نزد حاکم به موجب اقرار یا شهادت یا علم قاضی، بر مبنای اسناد یا امارات^۶، ثابت نشده باشد، در این صورت مدعی می‌تواند حکم به دعوی خود را که مورد انکار مدعی علیه است، منوط به قسم او نماید.

(۶) اماره، عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته شود (ماده

۱۳۲۱ قانون مدنی)

فصل نهم

قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)

قانون

آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

(در امور مدنی)

ماده ۸- هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند، مگر دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آنهم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

ماده ۱۰- رسیدگی نخستین به دعاوی، حسب مورد در صلاحیت دادگاه‌های عمومی و انقلاب است، مگر در مواردی که قانون مرجع دیگری را تعیین کرده باشد.

ماده ۱۱- دعوا باید در دادگاهی اقامه شود که خوانده، در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد و اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، در صورتی که در ایران محل سکونت موقت داشته باشد، در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران اقامتگاه و یا محل سکونت موقت نداشته ولی مال غیر منقول داشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است و هرگاه مال غیر منقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه محل اقامتگاه

خود، اقامه دعوا خواهد کرد.

تبصره - حوزه قضایی، عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستقر در آن نمی دهد.

ماده ۱۲- دعاوی مربوط به اموال غیر منقول اعم از؛ دعاوی مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی^۲ و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می شود، که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خواننده در آن حوزه مقیم نباشد.

ماده ۲۶- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی که به آن رجوع شده است، با همان دادگاه است. مناط صلاحیت، تاریخ تقدیم درخواست است، مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد.

ماده ۲۷- در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به دادگاه صلاحیت دار ارسال می نماید. دادگاه مرجوع الیه مکلف است خارج از نوبت نسبت به صلاحیت اظهار نظر نماید و چنانچه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد، پرونده را جهت حل اختلاف به دادگاه تجدید نظر استان ارسال می کند. رأی دادگاه تجدید نظر در تشخیص صلاحیت لازم الاتباع خواهد بود.

تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه های دو حوزه قضایی از دو استان باشد، مرجع حل اختلاف به ترتیب یادشده، دیوان عالی کشور می باشد.

ماده ۳۲- وزارت تخانه ها، مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، شرکت های دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و مؤسسات عمومی غیر دولتی، شهرداری ها و بانک ها می توانند علاوه بر استفاده از وکلای دادگستری برای طرح هر گونه دعوا

یا دفاع و تعقیب دعای مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند:

● **دارا بودن لیسانس در رشته حقوق با دو سال سابقه کار آموزشی در دفاتر حقوقی دستگاه‌های مربوط.**

● **دو سال سابقه کار قضایی، یا وکالت به شرط عدم محرومیت از اشتغال به مشاغل قضاوت یا وکالت.**

تشخیص احراز شرایط یاد شده به عهده بالاترین مقام اجرایی سازمان یا قائم مقام قانونی وی خواهد بود.

ارائه معرفی نامه نمایندگی حقوقی به مراجع قضایی الزامی است.

ماده ۴۸- شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می گردد.

ماده ۴۹- مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آنرا ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام خواهان، خوانده، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ دادخواست تاریخ تسلیم را قید نماید.

تاریخ رسید دادخواست به دفتر، تاریخ اقامه دعوا محسوب می شود.

ماده ۵۱- دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

● **نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان.**
تبصره- در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.

● **نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.**

● **تعیین خواسته و بهای آن، مگر آن که تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته،**

مالی نباشد.

● **تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند، به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.**

● **آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.**

● **ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد.**

ماده ۶۴- مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد، پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد.

در مواردی که نشانی طرفین دعوا، یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد، فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.

ماده ۶۷-پ پس از دستور دادگاه دایره به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوست های آنرا در پرونده بایگانی می کند و نسخه دیگر را با ضمایم آن و اختطاریه جهت ابلاغ و تسلیم به خواننده ارسال می دارد.

ماده ۶۸- مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خواننده تسلیم کند و در برگ دیگر اختطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خواننده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اختطاریه قید و اعاده می نماید.

تبصره ۱- ابلاغ اوراق در هر یک از محل سکونت یا کار به عمل می آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و شرکت ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد رئیس کارمند مربوط ارسال

می‌شود. اشخاص یاد شده مسئول اجرای ابلاغ می‌باشند و باید حداکثر به مدت ده روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می‌گردند.

تبصره ۲- در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد، ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می‌آید.

ماده ۶۹- هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند، باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده خطاریه را در نسخه دوم قید و آنرا اعاده کند.

ماده ۷۰- چنانچه خواندها هر یک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشند، یا از گرفتن برگ‌های خطاریه استنکاف کنند، مأمور ابلاغ این موضوع را در نسخ خطاریه قید نموده، نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می‌کند و برگ اول را با سایر اوراق دعوا عودت می‌دهد. در این صورت خوانده می‌تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید.

ماده ۷۵- در دعاوی راجع به ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و مؤسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداریها و نیز مؤسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است، اوراق خطاریه و ضمائم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود. در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ خطاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق خطاریه و ضمائم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالحه اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.

تبصره- در دعاوی مربوط به شعب مراجع بالا یا وابسته به دولت به مسئول دفتر شعبه مربوط، یا قائم مقام او ابلاغ خواهد شد.

ماده ۷۶- در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی دادخواست و ضمائ آن به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق امضاء و در صورت عدم امکان به مسئول دفتر مؤسسه با رعایت مقررات مواد (۶۸، ۶۹ و ۷۲) ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۱- در مورد این ماده هرگاه ابلاغ اوراق دعوا در محل تعیین شده ممکن نگردد، اوراق به آدرس آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- در دعاوی مربوط به ورشکسته، دادخواست و ضمائ آن به اداره تصفیه امور ورشکستگی، یا مدیر تصفیه ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۳- در دعاوی مربوط به شرکت‌های منحل شده، که دارای مدیر تصفیه نباشند، اوراق اخطاریه و ضمائ آن به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکت‌ها معرفی شده است، ابلاغ خواهد شد.

ماده ۸۷- ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید، مگر این که سبب ایراد متعاقباً "حادث شود.

ماده ۹۳- اصحاب دعوا می‌توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال نمایند.

ماده ۹۴- هر یک از اصحاب دعوا می‌توانند به جای خود وکیل به دادگاه معرفی نمایند، ولی در مواردی که دادرس حضور شخص خواهان یا خوانده هر دو را لازم بداند، این موضوع در برگ اخطاریه قید می‌شود. در این صورت شخصاً مکلف به حضور خواهند بود.

ماده ۱۰۶- در صورت توقیف یا زندانی شدن یکی از اصحاب دعوا یا عزیمت به محل مأموریت نظامی یا مأموریت دولتی یا مسافرت ضروری، دادرسی متوقف نمی‌شود. لکن دادگاه مهلت کافی برای تعیین وکیل به آنان می‌دهد.

ماده ۱۰۷- استرداد دعوا و دادخواست به ترتیب زیر صورت می‌گیرد:

الف- خواهان می‌تواند تا اولین جلسه دادرسی، دادخواست خود را مسترد کند. در این صورت دادگاه قرار ابطال دادخواست صادر می‌نماید.

ب- خواهان می‌تواند مادامی که دادرسی تمام نشده دعوی خود را استرداد کند. در این صورت دادگاه قرار رد دعوا صادر می‌نماید.

ج- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا در موردی ممکن است که خواهان راضی باشد و یا خواهان از دعوی خود به کلی صرف نظر کند. در این صورت دادگاه قرار سقوط دعوا صادر خواهد کرد.

ماده ۱۰۸- خواهان می‌تواند قبل از تقدیم دادخواست یا ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا یا در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است در موارد زیر از دادگاه درخواست تأمین خواسته نماید و دادگاه مکلف به قبول آن است:

الف- دعوا مستند به سند رسمی باشد.

ب- خواسته در معرض تضییع یا تفریط^۳ باشد.

ج- در مواردی از قبیل اوراق تجاری و اخواست شده که به موجب قانون، دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد.

د- خواهان، خساراتی را که ممکن است به طرف مقابل وارد آید، نقداً^۴ به صندوق دادگستری بپردازد.

تبصره- تعیین میزان خسارت احتمالی، با در نظر گرفتن میزان خواسته به نظر دادگاهی است که درخواست تأمین را می‌پذیرد. صدور قرار تأمین موکول به ایداع خسارت خواهد بود.

ماده ۱۱۰- در دعوی که مستند آنها چک یا سفته‌ها برات باشد و همچنین

(۳) تفریط، عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است. (ماده

۹۵۲ قانون مدنی)

در مورد دعاوی مستند به اسناد رسمی و دعاوی علیه متوقف، خواننده نمی تواند برای تأمین خسارات احتمالی خود تقاضای تأمین نماید.

ماده ۱۱۱- درخواست تأمین از دادگاهی می شود، که صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد.

ماده ۱۱۲- در صورتی که درخواست کننده تأمین تا ده روز از تاریخ صدور قرار تأمین نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد، دادگاه به درخواست خواننده، قرار تأمین را لغو می نماید.

ماده ۱۳۵- هر یک از اصحاب دعوا، که جلب شخص ثالثی را لازم بداند، می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد، یا تجدید نظر.

ماده ۱۴۱- خواننده می تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا نماید. چنین دعوایی در صورتی که با دعوی اصلی ناشی از یک منشاء بوده، یا ارتباط کامل داشته باشد، دعوی متقابل نامیده شده و توأماً رسیدگی می شود و چنانچه دعوی متقابل نباشد، در دادگاه صالح به طور جدا گانه رسیدگی خواهد شد. بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد.

ماده ۱۴۳- دادخواست دعوی متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود و اگر خواهان دعوی متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خواننده می تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر جلسه را درخواست نماید. شرایط و موارد رد یا ابطال دادخواست همانند مقررات دادخواست اصلی خواهد بود.

ماده ۱۴۹- در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوی آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات

موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر^۴ یا متعسر^۵ خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند. مقصود از تأمین در این موارد فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل است.

ماده ۱۵۰- درخواست تأمین دلیل^۶ ممکن است در هنگام دادرسی و یا قبل از اقامه دعوا باشد.

ماده ۱۵۸- دعوای تصرف عدوانی عبارتست از: ادعای متصرف سابق مبنی بر این که دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می‌نماید.

ماده ۱۷۳- به دعوای تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق که یک طرف آن وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت باشد نیز برابر مقررات این قانون رسیدگی خواهد شد.

ماده ۱۷۸- در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوای خود را به طریق سازش خاتمه دهند.

ماده ۱۸۰- سازش بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیر رسمی باشد.

ماده ۱۸۱- هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد، دادگاه ختم

(۴) عذر آورنده، بهانه آورنده

(۵) سخت و دشوار و مشکل

(۶) - در مواردی که اشخاص ذی‌نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند. مقصود از تأمین در این موارد فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل است. (ماده ۱۴۲ آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی)

موضوع را به موجب سازش نامه در پرونده مربوط قید می نماید و اجرای آن تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد، لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۱۸۳- هرگاه سازش خارج از دادگاه واقع شده و سازش نامه غیر رسمی باشد، طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و به امضای دادرس دادگاه و طرفین می رسد در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون عذر موجه دادگاه بدون توجه به مندرجات سازش نامه دادرسی را ادامه خواهد داد.

ماده ۲۰۲- هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست.

ماده ۲۰۳- اگر اقرار در دادخواست یا حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحی که به دادگاه تقدیم شده است به عمل آید، اقرار در دادگاه محسوب می شود، در غیر این صورت اقرار در خارج از دادگاه تلقی می شود.

ماده ۲۰۴- اقرار شفاهی است وقتی که حین مذاکره در دادگاه به عمل آید و کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا لوایحی که به دادگاه تقدیم گردیده اظهار شده باشد.

در اقرار شفاهی، طرفی که می خواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار او در صورت مجلس قید شود.

ماده ۲۱۱- اگر ابراز سند در دادگاه مقدور نباشد یا ابراز تمام یا قسمتی از آن یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه بر خلاف نظم یا عفت عمومی یا مصالح عامها حیثیت اصحاب دعوا یا دیگران باشد رئیس دادگاه یا دادرس یا مدیر دفتر دادگاه از جانب او در حضور طرفین آنچه را که لازم و راجع به مورد اختلاف است خارج نویس می نماید.

ماده ۲۱۲- هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعوا است در ادارات دولتی یا بانکها یا شهرداریها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس

و اداره می‌شوند موجود باشد و دادگاه آنرا مؤثر در موضوع تشخیص دهد، به درخواست یکی از اصحاب دعوا به طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط، ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد، مگر این که ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد که در این صورت باید مراتب با توضیح لازم به دادگاه اعلام شود. چنانچه دادگاه موافقت نمود، جواز عدم ابراز سند محرز خواهد شد، در غیر این صورت باید به نحو مقتضی سند به دادگاه ارائه شود. در صورت امتناع، کسی که مسئولیت عدم ارائه سند متوجه او است، پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در مورد تحویل اسناد سری دولتی باید با اجازه رئیس قوه قضائیه باشد.

تبصره ۲- ادارات دولتی و بانک‌ها و شهرداری‌ها و سایر مؤسسات یاد شده در این ماده در صورتی که خود نیز طرف دعوا باشند، ملزم به رعایت مفاد این ماده خواهند بود.

تبصره ۳- چنانچه در موعدی که دادگاه معین کرده است نتوانند اسناد و اطلاعات لازم را بدهند، باید در پاسخ دادگاه با ذکر دلیل تأخیر، تاریخ ابراز اسناد و اطلاعات را اعلام نمایند.

ماده ۲۱۳- در مواردی که ابراز اصل سند لازم باشد ادارات، سازمان‌ها و بانک‌ها پس از دریافت دستور دادگاه، اصل سند را به طور مستقیم به دادگاه می‌فرستند. فرستادن دفاتر امور جاری به دادگاه لازم نیست، بلکه قسمت خارج نویسی شده از آن دفاتر که از طرف اداره گواهی شده باشد کافی است.

ماده ۲۲۰- ادعای جعلیت و دلایل آن به دستور دادگاه به طرف مقابل ابلاغ می‌شود. در صورتیکه طرف به استفاده از سند باقی باشد، موظف است ظرف

ده روز از تاریخ ابلاغ، اصل سند موضوع ادعای جعل را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. مدیر دفتر پس از دریافت سند، آن را به نظر قاضی دادگاه رسانیده و دادگاه آنرا فوری مهر و موم می نماید.

چنانچه در موعد مقرر صاحب سند از تسلیم آن به دفتر خودداری کند، سند از عداد دلایل او خارج خواهد شد.

تبصره- در مواردی که وکیل یا نماینده قانونی دیگری در دادرسی مداخله داشته باشد، چنانچه دسترسی به اصل سند نداشته باشد حق استمهال^۷ دارد و دادگاه مهلت مناسبی برای ارائه اصل سند به او می دهد.

ماده ۲۲۳- خط، مهر، امضا و اثر انگشت اسناد عادی را که نسبت به آن انکار یا تردید یا ادعای جعل شده باشد، نمی توان اساس تطبیق قرار داد، هر چند حکم به صحت آن شده باشد.

ماده ۲۲۵- اگر اوراق و نوشته ها و مدارکی که باید اساس تطبیق قرار گیرد، در یکی از ادارات یا شهرداریها یا بانکها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس شده است موجود باشد، برابر مقررات ماده (۲۱۲) آنها را به محل تطبیق می آورند. چنانچه آوردن آنها به محل تطبیق ممکن نباشد و یا به نظر دادگاه مصلحت نباشد و یا دارنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد، به موجب قرار دادگاه می توان در محلی که نوشته ها، اوراق و مدارک یاد شده قرار دارد، تطبیق به عمل آورد.

ماده ۲۲۸- پس از ادعای جعلیت سند، تردید یا انکار نسبت به آن سند پذیرفته نمی شود، ولی چنانچه پس از تردید یا انکار سند، ادعای جعل شود، فقط به ادعای جعل رسیدگی خواهد شد.

در صورتی که ادعای جعل یا اظهار تردید و انکار نسبت به سند شده باشد، دیگر ادعای پرداخت وجه آن سند یا انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن پذیرفته

نمی‌شود و چنانچه نسبت به اصالت سند همراه با دعوای پرداخت و جها انجام تعهد، تعرض شود، فقط به ادعای پرداخت و جها انجام تعهد رسیدگی خواهد شد و تعرض به اصالت قابل رسیدگی نمی‌باشد.

ماده ۲۳۰- در دعوای مدنی (حقوقی) تعداد و جنسیت گواه، همچنین ترکیب گواهان با سوگند به ترتیب ذیل می‌باشد:

الف) اصل طلاق و اقسام آن و رجوع در طلاق و نیز دعوای غیر مالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت با گواهی دو مرد.

ب) دعوای مالی یا آنچه که مقصود از آن مال می‌باشد از قبیل دین، ثمن^۸ مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب، جنایات خطائی^۹ و شبه عمد^{۱۰} که موجب دیه است با گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن.

چنانچه برای خواهان امکان اقامه بینه شرعی نباشد، می‌تواند با معرفی یک گواه مرد یا دو زن به ضمیمهک سوگند ادعای خود را اثبات کند. در موارد مذکور در این بند، ابتدا گواه واجد شرایط شهادت می‌دهد، سپس سوگند توسط خواهان ادا می‌شود.

ماده ۲۳۱- در کلیه دعوای که جنبه حق الناسی دارد اعم از امور جزائی یا مدنی (مالی و غیر آن) به شرح ماده فوق هرگاه به علت غیبت یا بیماری، سفر، حبس و امثال آن حضور گواه اصلی متعذر یا متعسر باشد گواهی بر شهادت گواه اصلی مسموع خواهد بود.

۸) به بهایی اطلاق می‌شود که کالا در برابر آن معامله شده است؛

۹) قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را (بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی)

۱۰) قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای شبیه عمد واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد (بند ب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی)

ماده ۲۷۰- در مواردی که صدور حکم دادگاه منوط به سوگند شرعی می باشد، دادگاه به درخواست متقاضی، قرار اتیان سوگند صادر کرده و در آن، موضوع سوگند و شخصی را که باید سوگند یاد کند، تعیین می نماید.

ماده ۲۸۰- در حدود شرعی حق سوگند نیست، مگر در سرقت که فقط نسبت به جنبه حق الناسی آن سوگند ثابت است، ولی حد سرقت با آن سوگند ثابت نخواهد شد.

ماده ۲۸۱- سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله (وَ اللهُ - بِاللَّهِ - تَالله) یا نام خداوند باشد.

ماده ۲۹۵- پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشاء رأی نموده و به اصحاب دعوا اعلام می نماید در غیر این صورت حداکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رأی می کند.

ماده ۳۰۵- محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید. این اعتراض و خواهی نامیده می شود. دادخواست و خواهی^{۱۱} در دادگاه صادر کننده حکم غیابی قابل رسیدگی است.

ماده ۳۰۶- مهلت و خواهی از احکام غیابی برای کسانی که مقیم کشورند بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور اقامت دارند دو ماه از تاریخ ابلاغ واقعی خواهد بود، مگر اینکه معترض به حکم ثابت نماید، عدم اقدام به خواهی در این مهلت به دلیل عذر موجه بوده است. در این صورت باید دلایل موجه بودن عذر خود را ضمن دادخواست و خواهی به دادگاه صادر کننده رأی اعلام نماید. اگر دادگاه ادعا را موجه تشخیص داد قرار قبول دادخواست و خواهی را صادر و اجرای حکم نیز متوقف می شود.

جهات زیر عذر موجه محسوب می گردد:

● مرضی که مانع از حرکت است.

(۱۱) نفس عمل اعتراض را و خواهی می گویند.

- فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد.
- حوادث قهریه از قبیل سیل، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست و اخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد.
- توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست و اخواهی تقدیم کرد.

تبصره ۱- چنانچه ابلاغ واقعی به شخص محکوم علیه میسر نباشد و ابلاغ قانونی به عمل آید، آن ابلاغ معتبر بوده و حکم غیابی پس از انقضای مهلت قانونی و قطعی شدن به موقع اجراء گذارده خواهد شد.

در صورتی که حکم ابلاغ واقعی نشده باشد و محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رأی باشد می تواند دادخواست و اخواهی به دادگاه صادر کننده حکم غیابی تقدیم دارد. دادگاه بدواً خارج از نوبت در این مورد رسیدگی نموده قرار رد یا قبول دادخواست را صادر می کند. قرار قبول دادخواست مانع اجرای حکم خواهد بود.

تبصره ۲- اجرای حکم غیابی منوط به معرفی ضامن معتبر یا اخذ تأمین متناسب از محکوم له خواهد بود. مگر اینکه دادنامهها اجرائیه به محکوم علیه غایب ابلاغ واقعی شده و نامبرده در مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ دادنامه و اخواهی نکرده باشد.

تبصره ۳- تقدیم دادخواست خارج از مهلت یاد شده بدون عذر موجه قابل رسیدگی در مرحله تجدید نظر برابر مقررات مربوط به آن مرحله می باشد.

ماده ۳۳۰- آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است، مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدید نظر باشد.

ماده ۳۳۱- احکام زیر قابل درخواست تجدید نظر می باشد:

الف) در دعوی مالی که خواستهها ارزش آن از سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال متجاوز باشد.

ب) کلیه احکام صادره در دعاوی غیر مالی.
 ج) حکم راجع به متفرعات دعوا در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدید نظر باشد.

تبصره- احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند. قابل درخواست تجدید نظر نیست مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادر کننده رأی.
ماده ۳۳۴- مرجع تجدید نظر آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب هر حوزهای، دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان می باشد.

ماده ۳۳۵- اشخاص زیر حق درخواست تجدید نظر دارند:

الف) طرفین دعوا یا وکلا و یا نمایندگان قانونی آنها.

ب) مقامات مندرج در تبصره (۱) ماده (۳۲۶) در حدود وظایف قانونی خود.

ماده ۳۳۶- مهلت درخواست تجدید نظر اصحاب دعوا، برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است.

ماده ۳۴۸- جهات درخواست تجدید نظر به قرار زیر است:

الف) ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه

ب) ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود

ج) ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی

د) ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رأی

ه) ادعای مخالف بودن رأی با موازین شرعی و یا مقررات قانونی

تبصره- اگر درخواست تجدید نظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر، مرجع تجدید نظر به آن جهت هم رسیدگی می نماید.

ماده ۳۴۹- مرجع تجدید نظر فقط به آنچه که مورد تجدید نظر خواهی

است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می نماید.

ماده ۳۶۶- رسیدگی فرجامی، عبارت است از تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی مورد درخواست فرجامی با موازین شرعی و مقررات قانونی.

ماده ۳۶۷- آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم درخواست تجدید نظر قطعیت یافته قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر:

الف) احکام:

- ۱- احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون (۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال باشد.
- ۲- احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر^{۱۲}، وقف، ثلث، حبس و تولیت^{۱۳}.

ب) قرارهای زیر مشروط به این که اصل حکم راجع به آنها قابل رسیدگی فرجامی باشد:

- ۱- قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد.
 - ۲- قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.
- ماده ۳۷۸-** افراد زیر می توانند با رعایت مواد آتی درخواست رسیدگی فرجامی نمایند:

- ۱- طرفین دعوا، قائم مقام، نمایندگان قانونی و وکلای آنان.
- ۲- دادستان کل کشور.

ماده ۳۹۷- مهلت درخواست فرجام خواهی برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج دو ماه می باشد.

ماده ۴۲۶- نسبت به احکامی که قطعیت یافته، ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود:

۱۲) نداشتن صلاحیت در دارا شدن حق معین (یا حقوق معین) و نیز نداشتن صلاحیت برای اعمال حقی که شخص آن را دارا شده

۱۳) تصرف امور وقف را می گویند

۱- موضوع حکم، مورد ادعای خواهان نبوده باشد.
 ۲- حکم به میزان بیشتر از خواسته صادر شده باشد.
 ۳- وجود تضاد در مفاد یک حکم که ناشی از استناد به اصول یا به مواد متضاد باشد.

۴- حکم صادره با حکم دیگری در خصوص همان دعوا و اصحاب آن، که قبلاً "توسط همان دادگاه صادر شده است، متضاد باشد بدون آنکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد.

۵- طرف مقابل در خواست کننده اعاده دادرسی حيله و تقلبی بکار برده که در حکم دادگاه مؤثر بوده است.

۶- حکم دادگاه مستند به اسنادی بوده که پس از صدور حکم، جعلی بودن آنها ثابت شده باشد.

۷- پس از صدور حکم، اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده اعاده دادرسی باشد و ثابت شود اسناد و مدارک یاد شده در جریان دادرسی مکتوم بوده و در اختیار متقاضی نبوده است.

ماده ۴۲۷- مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه به شرح زیر می باشد:

- نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ.
- نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت و خواهی و درخواست تجدید نظر.

تبصره- در مواردی که درخواست کننده اعاده دادرسی عذر موجهی داشته باشد طبق ماده (۳۰۶) این قانون عمل می شود.

ماده ۵۲۴- مستثنیات دین عبارت است از:
 الف) مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شئون عرفی.
 ب) وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شأن محکوم علیه.

- ج) اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه، خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است.
- د) آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود.
- ه) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق، متناسب با شأن آنان.
- و) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی می باشد.

فصل هشتم

قانون
رسیدگی به تخلفات اداری
کارمندان دولت

قانون

رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت

ماده ۱- به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هیأت‌هایی تحت عنوان؛ هیأت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدید نظر می‌باشند.

تبصره ۱ هیأت تجدید نظر در مرکز وزارتخانه یا سازمان مستقل دولتی و نیز تعدادی از دستگاه‌های مشمول این قانون که فهرست آنها به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، تشکیل می‌شود و در صورت لزوم دارای شعبه‌هایی خواهد بود.

تبصره ۲- در صورت تشخیص هیأت عالی نظارت یک هیأت تجدید نظر در مرکز برخی از استان‌ها که ضرورت ایجاب نماید، تشکیل می‌گردد.

ماده ۲- هر یک از هیأت‌های بدوی و تجدید نظر دارای سه عضو اصلی و یک یا دو عضو علی‌البدل می‌باشد که با حکم وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی مربوط و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ماده یک برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتصاب مجدد آنان بلا مانع است.

تبصره ۱- در غیاب اعضای اصلی، اعضای علی البدل به جای آنان انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره ۲- هیچ یک از اعضای اصلی و علی البدل هیأت‌های بدوی یک دستگاه نمی‌توانند همزمان عضو هیأت تجدید نظر همان دستگاه باشند، همچنین اعضای مذکور نمی‌توانند در تجدید نظر پرونده‌هایی که در هنگام رسیدگی بدوی به آن رأی داده‌اند، شرکت نمایند.

ماده ۳- برکناری اعضای هیأت‌های بدوی و تجدید نظر با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ و تصویب هیأت عالی نظارت صورت می‌گیرد.

ماده ۴- صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیأت بدوی است و آراء صادره در صورتی که قابل تجدید نظر نباشند، از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم الاجراء است. در مورد آرای که قابل تجدید نظر باشد، هرگاه کارمند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رای درخواست تجدید نظر نماید، هیأت تجدید نظر مکلف به رسیدگی است. آراء هیأت تجدید نظر از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم الاجراء است.

تبصره ۱- هرگاه رأی هیأت بدوی قابل تجدید نظر باشد و متهم ظرف مهلت مقرر درخواست تجدید نظر ننماید، رای صادر شده قطعیت می‌یابد و از تاریخ انقضای مهلت یاد شده لازم الاجراء است.

تبصره ۲- ابلاغ رای طبق قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید و در هر صورت فاصله بین صدور رای و ابلاغ آن از ۳۰ روز نباید تجاوز کند.

ماده ۵- به منظور تسریع در جمع‌آوری دلایل و تهیه و تکمیل اطلاعات و مدارک، هیأت‌ها می‌توانند از یک یا چند گروه تحقیق استفاده نمایند. شرح وظایف، تعداد اعضاء و شرایط عضویت در گروه تحقیق، در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود.

تبصره: گروه‌های تحقیق هر یک از هیأت‌های بدوی و تجدید نظر مستقل از یکدیگر بوده و یک گروه تحقیق نمی‌تواند در تحقیقات مربوط به مراحل بدوی و تجدید نظر یک پرونده اقدام به تحقیق نماید.

ماده ۶- اعضای هیأت‌های بدوی و تجدید نظر علاوه بر تدین به دین مبین اسلام و عمل به احکام آن و اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل ولایت فقیه باید دارای شرایط زیر باشند.

۱- تأهل

۲- حداقل ۳۰ سال سن

۳- حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم یا معادل آن

تبصره ۱- در موارد استثنایی داشتن مدرک دیپلم حسب مورد با تأیید هیأت عالی نظارت بلامانع است.

تبصره ۲- در هر هیأت باید یک نفر آشنا به مسائل حقوقی عضویت داشته باشد و حداقل دو نفر از اعضای اصلی هیأت بدوی و تجدید نظر باید از بین کارکنان همان سازمان یا وزارتخانه که حداقل پنج سال سابقه کار دولتی دارند، به این سمت منصوب شوند.

ماده ۷- اعضای هیأت بدوی یا تجدید نظر در موارد زیر در رسیدگی و صدور رأی شرکت نخواهند کرد:

الف) عضو هیأت با متهم قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشد.

ب) عضو هیأت با متهم دعوای حقوقی یا جزایی داشته یا در دعوی طرح شده ذی نفع باشد.

ماده ۸- تخلفات اداری به قرار زیر است:

۱- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری

۲- نقض قوانین و مقررات مربوط

- ۳- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل
- ۴- ایراد تهمت و افتراء هتك حیثیت
- ۵- اخاذی
- ۶- اختلاس
- ۷- تبعیض یا اعمال غرض یاروابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص
- ۸- ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری
- ۹- تکرار در تأخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز
- ۱۰- تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی، ایراد خسارات به اموال دولتی
- ۱۱- افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری
- ۱۲- ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه
- ۱۳- سرپیچی از اجرای دستورهای مقام‌های بالاتر در حدود وظایف اداری
- ۱۴- کم کاری، یا سهل انگاری در انجام وظایف محوله
- ۱۵- سهل انگاری رؤسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر
- ۱۶- ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری
- ۱۷- گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هرگونه مالی که در ردیف رشوه خواری تلقی می‌شود
- ۱۸- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند
- ۱۹- تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری
- ۲۰- رعایت نکردن حجاب اسلامی
- ۲۱- رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی
- ۲۲- اختفاء، نگهداری، حمل، توزیع، خرید و فروش مواد مخدر

- ۲۳- استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر
- ۲۴- داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمتهای آموزشی و تحقیقاتی
- ۲۵- هرگونه استفاده غیر مجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی
- ۲۶- جعل^۱ یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی
- ۲۷- دست بردن در اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سئوالات امتحانی یا تعویض آنها
- ۲۸- دادن نمره یا امتیاز، برخلاف ضوابط
- ۲۹- غیبت غیر موجه به صورت متناوب یا متوالی
- ۳۰- سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری
- ۳۱- توقیف، اختفاء، بازرسی یا باز کردن پاکت‌ها و محصولات پستی، یا معدوم کردن آنها و استراق سمع، بدون مجوز قانونی
- ۳۲- کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی
- ۳۳- شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی، یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی
- ۳۴- عضویت در یکی از فرقه‌های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده‌اند
- ۳۵- همکاری با ساواک منحل به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی
- ۳۶- عضویت در سازمان‌هایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

۳۷- عضویت در گروه‌های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

۳۸- عضویت در تشکیلات فراماسونری

ماده ۹- تنبیهات اداری به ترتیب عبارتند از:

الف) اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی

ب) توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی

ج) کسر حقوق و فوق العاده شغل یا عناوین مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال

د) انفصال موقت از یک ماه تا یک سال

ه) تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال

و) تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست‌های حساس و مدیریتی در

دستگاه‌های دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون

ز) تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک

یا دو سال

ح) باز خرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت

دولتی در مورد مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی در مورد

مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال

خدمت به تشخیص هیأت صادر کننده رأی

ط) بازنشستگی در صورت داشتن بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی

برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین

مرد بر اساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه

ی) اخراج از دستگاه متبوع

ک) انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاه‌های مشمول این قانون

تبصره ۱- در احتساب معدل خالص حقوق، تفاوت تطبیق و فوق العاده شغل

مستخدمین موضوع بند (ط) در سه سال آخر خدمت در هنگام بازنشستگی،

حقوق گروه جدید «پس از تنزل یک تا دو گروه» ملاک محاسبه قرار می‌گیرد. تبصره ۲- کسور بازنشستگی یا حق بیمه «سهام کارمند» کارمندانی که در اجرای این قانون به انفصال دائم، اخراج یا بازخریدی محکوم شده یا می‌شوند و نیز حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده نشده، هم چنین کسور بازنشستگی یا حق بیمه کارمندانی که در گذشته در اجرای مقررات قانونی از دستگاه دولتی متبوع خود اخراج گردیده‌اند، قابل پرداخت است.

تبصره ۳- هیأت‌های بدویی و تجدید نظر نماینده دولت در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هستند و رأی آنان به تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازات‌های اداری معتبر است. و به معنی اثبات جرم‌هایی که موضوع قانون مجازات‌های اسلامی است، نیست.

تبصره ۴- هیأت‌ها پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به کارمند، در صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات‌های موضوع این قانون را اعمال خواهند نمود.

ماده ۱۰- فقط مجازات‌های بندهای (د، ه، ح، ط، ی، ک) ماده ۹ این قانون قابل تجدید نظر در هیأت‌های تجدید نظر هستند.

ماده ۱۱- برای کارمندانی که با حکم مراجع قضایی یا با رأی هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا هیأت‌های بازسازی و پاکسازی سابق محکوم به اخراج یا انفصال دائم از خدمات دولتی شده یا می‌شوند، در صورت داشتن بیش از ۱۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن، به تشخیص هیأت‌های تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات اداری مربوط، برای معیشت خانواده آنان مقرری ماهانه که مبلغ آن از حداقل حقوق کارمندان دولت تجاوز نکند، برقرار می‌گردد. این مقرری از محل اعتبار وزارتخانه یا مؤسسه مربوط پرداخت می‌شود و در صورت رفع ضرورت به تشخیص هیأت مزبور قطع می‌شود. چگونگی اجراء و مدت آن طبق آیین نامه اجرایی این قانون است.

ماده ۱۲- رئیس مجلس شورای اسلامی، وزراء، بالاترین مقام اجرایی سازمان‌های مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون و شهردار تهران می‌توانند مجازات‌های بندهای (الف، ب، ج، د) ماده ۹ این قانون را راساً و بدون مراجعه به هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف اعمال نمایند و اختیارات اعمال مجازات‌های بندهای (الف، ب، ج) را به معاونان خود و بندهای (الف، ب) را به استانداران، رؤسای دانشگاه‌ها و مدیران کل تفویض کنند. در صورت اعمال مجازات توسط مقامات و اشخاص مزبور هیأت‌های تجدید نظر حق رسیدگی و صدور رأی مجدد در مورد همان تخلف را ندارند، مگر با تشخیص و موافقت کتبی خود آن مقامات و اشخاص

ماده ۱۳- وزراء و یا معاونان آنان در صورت تفویض وزیر، رئیس مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام سازمان‌های مستقل دولتی و سایر دستگاه‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون، شهردار تهران، استانداران و رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز مستقل آموزش عالی و تحقیقاتی و معاونان آنان می‌توانند کارمندان را که پرونده آنان به هیأت‌های رسیدگی ارجاع شده می‌شود را حداکثر به مدت سه ماه آماده به خدمت نمایند.

تبصره ۱- در مورد مؤسساتی که آمادگی به خدمت در مقررات استخدامی آنها پیش بینی نشده است، بر اساس مفاد قانون استخدام کشوری رفتار خواهد شد.
تبصره ۲- چنانچه کارمند پس از رسیدگی در هیأت‌ها برائت حاصل نماید فوق العاده شغل یا مزایای شغل یا عناوین مشابه دوران آمادگی به خدمت براساس آخرین حقوق و مزایای قبل از این دوران پرداخت می‌شود.

تبصره ۳- هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند در مدت آمادگی به خدمت، پرونده اتهامی کارمندان رسیدگی کنند و تصمیم لازم را اتخاذ نمایند، و در صورتی که در مدت مذکور پرونده جهت رسیدگی پژوهشی به

هیأت تجدید نظر ارجاع شود، مدت آمادگی به خدمت برای سه ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود و هیأت تجدید نظر موظف است حداکثر تا پایان مدت مزبور به پرونده رسیدگی کرده رأی لازم را صادر نمایند. در هر حال با صدور حکم قطعی هیأت های رسیدگی حکم آمادگی به خدمت لغو می گردد.

ماده ۱۴- هرگاه رسیدگی به اتهام کارمند به تشخیص هیأت های بدوی و تجدید نظر مستلزم استفاده از نظر کارشناسی باشد، مورد به کارشناسی ارجاع می شود.

ماده ۱۵- پرونده آن دسته از مستخدمان بازنشسته، که قبل یا پس از بازنشستگی در هیأت های پاکسازی یا بازسازی مطرح بوده، ولی منجر به صدور رأی نگردیده است یا آرای صادر شده قطعیت نیافته یا آرای که در دیوان عدالت اداری نقض شده است، همچنین پرونده بازنشستگان متهم به موارد مندرج در بندهای ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۳۸ ماده ۸ در صورت وجود مدارک مثبت، برای رسیدگی و صدور رأی در هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و مجازات های مصرح در این قانون حسب مورد اعمال خواهد شد.

تبصره: افراد موضوع بند ۳۴ ماده ۸ این قانون که بر اساس پاکسازی بازنشسته شده اند در صورت باقی بودن در عضویت، پرونده آنان در هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و بر اساس این قانون رأی لازم صادر می شود.

ماده ۱۶- وزراء و نمایندگان مجلسین رژیم سابق، دبیران حزب رستاخیز در مراکز استان ها، مدیران کل حفاظت، رؤسای دوایر حفاظت و رمز محرمانه بعد از خرداد ۱۳۴۲ و اعضای تشکیلات فراماسونری، که توسط هیأت های پاکسازی یا بازسازی نیروی انسانی محکومیت قطعی نیافته اند، یا پرونده آنان تاکنون مورد رسیدگی قرار نگرفته است، از خدمت در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری ها به صورت دائم منفصل می شوند و حقوق بازنشستگی آنان قطع می شود. معاونان نخست وزیر، رئیس کل بانک مرکزی،

مدیران عامل و رؤسای شرکت‌ها و سازمان‌های مستقل دولتی، مستشاران و رؤسای دیوان محاسبات بعد از خرداد ۱۳۴۲ در صورتی که در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ثابت شود که در تحکیم رژیم گذشته مؤثر بوده اند، به انفصال دائم محکوم خواهند شد. سفراء، استانداران و معاونان وزرای رژیم سابق بعد از خرداد ۱۳۴۲ حسب مورد طبق این قانون محکوم به باز خرید یا بازنشستگی خواهند شد و در صورت ارتکاب یکی از جرایم مصرح در این قانون، در صورتی که مجازات آن جرم بیش از بازنشستگی باشد، به آن مجازات طبق این قانون محکوم خواهند شد.

تبصره: در خصوص آن دسته از کارمندان که به تحکیم رژیم متهم بوده و تا کنون رأی قطعی در مورد آنان صادر نشده یا رأی صادر شده در دیوان عدالت اداری نقض شده است، هیأت‌ها می‌توانند پس از رسیدگی حسب مورد یکی از مجازات‌های مقرر در این قانون را در مورد آنان اعمال نمایند.

ماده ۱۷- رئیس مجلس شورای اسلامی، وزراء یا بالاترین مقام سازمان‌های مستقل دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و سازمان‌های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون، شهردار تهران، شهرداران مراکز استان‌ها، استانداران و رؤسای دانشگاه‌ها می‌توانند کارمندانی را که بیش از دو ماه متوالی و یا چهار ماه متناوب در سال بدون عذر موجه در محل خدمت خود حاضر نشده‌اند، از خدمت وزارتخانه یا دستگاه متبوع اخراج نمایند.

تبصره ۱- هرگاه کارمند یاد شده حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ حکم دستگاه متبوع خود مدعی شود که عذر او موجه بوده است، وزیر یا بالاترین مقام دستگاه متبوع کارمند موظف است پرونده وی را جهت تجدید نظر به هیأت تجدید نظر مربوط ارجاع نمایند. هیأت تجدید نظر مکلف به رسیدگی بوده و رای آن قطعی است و در صورت تأیید حکم اخراج یا براءت از تاریخ اخراج، در غیر این صورت از تاریخ ابلاغ، لازم الاجراء است.

تبصره ۲- در مواردی که حکم اخراج یا انفصال کارمند یا کارمندان توسط مقامات صلاحیت دار دستگاه‌های اجرایی قبل از قانون بازسازی نیروی انسانی صادر گردیده است، این احکام قطعی محسوب می‌شوند.

ماده ۱۸- کلیه وزارات، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی و شهرداری‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از بودجه آنها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی مشمول مقررات این قانون هستند. مشمولان قانون استخدام نیروهای مسلح و غیر نظامیان ارتش و نیروهای انتظامی، قضات، اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مشمولان قانون کار از شمول این قانون خارج بوده و تابع مقررات مربوط به خود خواهند بود.

ماده ۱۹- هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضایی مبنی بر برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات اداری طبق ماده ۲۴ این قانون اقدام می‌نماید.

فصل پنجم

**آئین نامه اجرایی قانون
رسیدگی به تخلفات اداری**

آئین نامه اجرائی

قانون رسیدگی به تخلفات اداری

ماده ۱- هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان - که در این آئین نامه هیأت بدوی نامیده می شود - در هر یک از دستگاه های موضوع ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری - که از این پس قانون نامیده می شود - با رعایت مفاد قانون مزبور و این آئین نامه تشکیل می شود.

منظور از کارمندان کلیه کارکنان رسمی، ثابت، دایم، پیمانی و قراردادی است.

ماده ۲- هیأت تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان - که از این پس هیأت تجدید نظر نامیده می شود.

در مرکز هر وزارتخانه، سازمان های مستقل دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، مجلس شورای اسلامی، مراکز بعضی از استان ها به تشخیص هیأت عالی نظارت، همچنین در مرکز هر یک از دستگاه های زیر تشکیل می شود.

سازمان حج و زیارت، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شرکت مخابرات ایران، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، سازمان بهزیستی کشور، سازمان ثبت احوال کشور، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و بعضی از دانشگاه های کشور به تشخیص وزیران ذی ربط حسب مورد.

تبصره ۱- سازمان‌های مستقل دولتی موضوع این آیین‌نامه به شرح زیر هستند:

سازمان‌های امور اداری و استخدامی کشور، سازمان برنامه و بودجه، سازمان تربیت بدنی، سازمان انرژی اتمی، سازمان حفاظت محیط زیست، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان قضایی نیروهای مسلح، سازمان پزشکی قانونی کشور، مجلس شورای اسلامی، نهاد ریاست جمهوری، شهرداری تهران، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، جمعیت هلال احمر، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان تأمین اجتماعی، جهاد دانشگاهی، نهضت (سواد آموزی و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران) اصلاحی مورخ ۱۳۷۵/۳/۹ هیأت وزیران

تبصره ۲- دستگاه‌های موضوع این ماده و تبصره یک آن، در صورت لزوم می‌توانند در مرکز خود هیأت‌های متعدد تجدید نظر داشته باشند.

ماده ۴- هر یک از دستگاه‌های یاد شده در تبصره ۱ ماده ۲ این آیین‌نامه در صورت داشتن واحد سازمانی در مراکز استان‌ها می‌توانند نسبت به تشکیل هیأت‌های بدوی در این مراکز اقدام نمایند.

ماده ۵- رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان حوزه هر استان تازمانی که دستگاه متبوع آنان در مرکز آن استان هیأت بدوی تشکیل نداده است پس از کسب نظر وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه متبوع با هیأت بدوی متشکل در استان دیگر است.

تبصره: رسیدگی بدوی به تخلفات اداری کارمندان شهرداری‌ها در هر شهرستان در صورت عدم تشکیل هیأت بدوی با هیأت بدوی متشکل در استانداری مربوط است.

ماده ۸- رسیدگی به تخلفات قبلی کارمندان مأمور مشروط بر اینکه بیش از یک سال از مأموریت آنها نگذشته باشد توسط هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر دستگاه متبوع کارمند صورت می‌گیرد و دستگاه محل مأموریت مکلف به اجرای آن است. در صورتی که دستگاه محل مأموریت از اجرای رأی امتناع ورزد یا امکان اجرای رأی با توجه به شرایط خاص دستگاه یاد شده موجود نباشد، دستگاه متبوع مستخدم می‌تواند رأساً نسبت به لغو حکم مأموریت اقدام کند و رأی صادر شده را به اجراء درآورد.

تبصره ۱- رسیدگی به تخلفاتی که در محل مأموریت واقع شده بر عهده هیأت‌های محل مأموریت می‌باشد، ولی در صورتی که رأی صادره با اشکال اجرایی در دستگاه محل مأموریت کارمند مواجه شود (مانند اخراج) نظر هیأت عالی نظارت در خصوص اجراء یا عدم اجرای آن برای هر دو دستگاه لازم‌الاتباع است.

تبصره ۲- هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر در صورت لزوم از هیأت‌های وزارخانه یا سازمان متبوع کارمند، برای تکمیل مدارک و تحقیقات لازم کمک می‌گیرند. وزارتخانه یا سازمان متبوع کارمند نیز مکلف است در صورت اطلاع از تخلف قبلی کارمند و لزوم تعقیب وی، مدارک اتهام و نتیجه بررسی‌های خود را به وزارتخانه یا سازمان محل مأموریت اعلام کند.

تبصره ۳- رسیدگی به تخلفات کارمندان دولت، مأمور در شرکت‌های تعاونی دستگاه‌های اجرایی یا دستگاه‌هایی که مشمول قانون نیستند بر عهده هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر دستگاه متبوع آنان می‌باشد.

ماده ۹- در موارد تعدد تخلفات کارمند در دستگاه‌های مختلفی که در آنها اشتغال داشته است، آخرین دستگاهی که کارمند به آن منتقل شده است (دستگاه متبوع وی)، صالح برای رسیدگی به اتهامات انتسابی و اجرای آرای قطعی صادره در خصوص وی است و می‌تواند به نحو مقتضی برای تکمیل مدارک و تحقیقات

لازم از دستگاه‌های قبلی کمک بگیرد.

تبصره: دستگاه‌های قبلی و هیأت‌های قبلی و هیأت‌های آنها مکلفند همکاری‌های لازم را در اجرای مفاد این ماده معمول دارند.

ماده ۱۲- گروه تحقیق موضوع ماده ۵ قانون متشکل از سه عضو است از بین افراد متأهل، متعهد، عامل به احکام اسلام، معتقد به نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه و دارای حداقل ۲۵ سال سن با تصویب هیأت مربوط و حکم رئیس هیأت انتخاب می‌شوند. کارمند بودن دو عضو از سه عضو یاد شده الزامی است.

ماده ۱۳- هیأت‌های بدوی و تجدید نظر یک دستگاه می‌توانند از یک گروه تحقیق استفاده کنند، مشروط بر اینکه برای تحقیق در مرحله تجدید نظر در خصوص یک پرونده از همان گروه تحقیق که در رسیدگی بدوی همکاری داشته است استفاده نشود.

ماده ۱۶- کلیه کارمندان، مسئولان مربوط و رؤسای کارمند متهم به ارتکاب تخلف، مکلفند همکاری‌های لازم را با هیأت‌ها به عمل آورده و مدارک، اسناد و اطلاعات مورد نیاز را در مهلت تعیین شده از طرف هیأت‌ها در اختیار آنها قرار دهند. در مورد اسناد طبقه بندی شده، رعایت مقررات و قوانین مربوط الزامی است.

تبصره: در مواردی که پرونده متهم در هیأت‌ها تحت رسیدگی است، هرگونه تصمیم‌گیری نسبت به حالت استخدامی وی، منوط به کسب نظر از هیأت رسیدگی کننده است.

ماده ۲۷- کلیه هیأت‌ها مکلفند در متن آرای قطعی صادر شده، مهلت یک ماهه شکایت به دیوان عدالت اداری را تصریح کنند.

ماده ۲۹- هیأت‌ها در موارد لزوم می‌توانند در ارتباط با اتهام‌های وارد شده به کارمندان از مراجع قضایی مربوط استعلام نظر کنند و مراجع یاد شده مکلفند

حداکثر ظرف ۳۰ روز به استعلام هیأت‌ها پاسخ دهند.

تبصره: هیأت‌ها مکلفند در موارد لزوم از وزارت اطلاعات استعلام نظر کنند و وزارت یاد شده موظف است ظرف ۱۰ روز به استعلام هیأت‌ها پاسخ دهند.

ماده ۳۸- هیأت‌های موضوع قانون و کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور مکلفند با هیأت عالی نظارت، هماهنگی و همکاری‌های لازم را معمول دارند و مدارک لازم را در اختیار هیأت یاد شده قرار دهند.

فصل دهم

قانون جرایم رایانه ای

قانون جرائم رایانه ای

بخش یکم - جرائم و مجازات‌ها

فصل یکم - جرائم علیه محرمانگی داده‌ها و سیستم‌های

رایانه‌ای و مخابراتی

مبحث یکم - دسترسی غیر مجاز

ماده ۱- هر کس به طور غیر مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - شنود غیر مجاز

ماده ۲- هر کس به طور غیر مجاز محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا امواج الکترو مغناطیسی یا نوری را شنود کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مبحث سوم - جاسوسی رایانه ای

ماده ۳- هر کس به طور غیرمجاز نسبت به داده ای سری در حال انتقال یا ذخیره شده در سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، یا حامل های داده مرتکب اعمال زیر شود، به مجازات های مقرر محکوم خواهد شد:

(الف) دسترسی به داده ای مذکور یا تحصیل آنها، یا شنود محتوای سری در حال انتقال، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از بیست تا شصت میلیون ریال یا هر دو مجازات.

(ب) در دسترس قرار دادن داده ای مذکور برای اشخاص فاقد صلاحیت، به حبس از دو تا ده سال.

(ج) افشاء یا در دسترس قرار دادن داده ای مذکور برای دولت، سازمان، شرکت یا گروه بیگانه، یا عاملان آنها، به حبس از پنج تا پانزده سال.
تبصره ۱ داده ای سری، داده ای است که افشای آنها به امنیت کشور یا منافع ملی لطمه می زند.

تبصره ۲ آئین نامه نحوه تعیین و تشخیص داده ای سری و نحوه طبقه بندی و حفاظت آنها ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارت اطلاعات با همکاری وزارتخانه های دادگستری، کشور، ارتباطات و فناوری اطلاعات و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت دولت خواهد رسید.

ماده ۴- هر کس به قصد دسترسی به داده ای سری موضوع ماده (۳) این قانون، تدابیر امنیتی سیستم های رایانه ای یا مخابراتی را نقض کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۵- چنانچه مأموران دولتی که مسئول حفظ داده ای سری مقرر در ماده (۳) این قانون یا سیستم های مربوط هستند و به آنها آموزش لازم داده شده است، یا داده ها یا سیستم های مذکور در اختیار آنها قرار گرفته است، بر اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی یا عدم رعایت تدابیر امنیتی، موجب دسترسی اشخاص

فاقد صلاحیت به داده‌ها، حامل‌های داده یا سیستم‌های مذکور شوند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات و انفصال از خدمت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.

فصل دوم - جرائم علیه صحت و تمامیت داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی مبحث یکم - جعل رایانه‌ای

ماده ۶- هر کس به طور غیر مجاز مرتکب اعمال زیر شود، جاعل محسوب و به حبس از یک تا پنج سال یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد:

الف) تغییر داده‌ای قابل استناد، یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها،

ب) تغییر داده‌ها یا علائم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل پردازش در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، یا تراشه‌ها یا ایجاد یا وارد کردن متقلبانه داده‌ها یا علائم به آنها.

ماده ۷- هر کس با علم به مجعول بودن داده‌ها یا کارت‌ها یا تراشه‌ها از آنها استفاده کند، به مجازات مندرج در ماده فوق محکوم خواهد شد.

مبحث دوم - تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده ۸- هر کس به طور غیر مجاز داده دیگری را از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده حذف، یا تخریب، یا مختل، یا غیر قابل پردازش کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۹- هر کس به طور غیر مجاز با انجام اعمالی از قبیل وارد کردن،

انتقال دادن، پخش، حذف کردن، متوقف کردن، دستکاری یا تخریب داده‌ها یا امواج الکترو مغناطیسی یا نوری، سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی دیگری را از کار بیندازد، یا کارکرد آنها را مختل کند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از ده تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰- هر کس به طور غیر مجاز با انجام اعمالی از قبیل مخفی کردن داده‌ها، تغییر گذر واژه یا رمز نگاری داده‌ها مانع دسترسی اشخاص مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال، یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱- هر کس به قصد به خطر انداختن امنیت یا آسایش عمومی اعمال مذکور در مواد (۸)، (۹) و (۱۰) این قانون را علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای ارائه خدمات ضروری عمومی به کار می‌روند، از قبیل خدمات درمانی، آب، برق، گاز، مخابرات، حمل و نقل و بانکداری مرتکب شود، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

فصل سوم - سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه

ماده ۱۲- هر کس به طور غیر مجاز داده‌ای متعلق به دیگری را بر بایند، چنانچه عین داده‌ها در اختیار صاحب آن باشد، به جزای نقدی از یک تا بیست میلیون ریال و در غیر این صورت به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳- هر کس به طور غیر مجاز از سیستم‌های رایانه‌ای، یا مخابراتی با ارتکاب اعمالی از قبیل وارد کردن، تغییر، محو، ایجاد یا متوقف کردن داده‌ها یا مختل کردن سیستم و وجه یا مال یا منفعت یا خدمات یا امتیازات مالی برای خود یا دیگری تحصیل کند، علاوه بر رد مال به صاحب آن، به حبس از یک تا پنج سال، یا جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل چهارم - جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی

ماده ۱۴- هر کس به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند، یا به قصد ارسال، یا انتشار، یا تجارت تولید، یا ذخیره و نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال، یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال، یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- ارتکاب اعمال فوق در خصوص محتویات مبتذل، موجب محکومیت به حداقل یکی از مجازات‌های فوق می‌شود. محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه‌ها و صور قبیحه باشد.

تبصره ۲- هرگاه محتویات مستهجن به کمتر از ده نفر ارسال شود، مرتکب به یک تا پنج میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۳- چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفه خود قرار داده باشد یا بطور سازمان یافته مرتکب شود، چنانچه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۴- محتویات مستهجن به تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد، یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

ماده ۱۵- هر کس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد:

الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع^۲ کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال، یا جزای نقدی از

(۱) ر.ک. به صفحه ۲۲

(۲) ر.ک. به صفحه ۱۶

پنج تا بیست میلیون ریال، یا هر دو مجازات. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است.

ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرائم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کند یا فریب دهد، یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات.

تبصره- مفاد این ماده و ماده (۱۴) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری، یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می شود.

فصل پنجم- هتک حیثیت و نشر اکاذیب

ماده ۱۶- هر کس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی، فیلم یا صوت یا تصویر دیگری را تغییر دهد، یا تحریف کند و آن را منتشر یا با علم به تغییر یا تحریف منتشر کند، به نحوی که عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

تبصره- چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۱۷- هر کس به وسیله سیستم های رایانه ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۱۸- هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله سیستم رایانه یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید، یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقام‌های رسمی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از اینکه از طریق یاد شده به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل ششم - مسئولیت کیفری اشخاص

ماده ۱۹- در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه‌ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:

- (الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.
 - (ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه‌ای را صادر کند و جرم به وقوع پیوندد.
 - (ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه‌ای شود.
 - (د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه‌ای اختصاص یافته باشد.
- تبصره ۱ منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲ مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود.

ماده ۲۰- اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع

و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال.

ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تبصره ۱- مدیر شخص حقوقی که طبق بند (ب) این ماده منحل می‌شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم‌گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگری را نخواهد داشت.

تبصره ۲- خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند، مابه‌التفاوت از اموال مرتکب جبران خواهد شد.

ماده ۲۱- ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کمیته تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه اعم از محتوای ناشی از جرایم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتكاب جرایم رایانه‌ای بکار می‌رود را پالایش کنند. در صورتی که عمده‌آز پالایش محتوای مجرمانه خود داری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی مبالائی زمینه دسترسی به محتوای غیرقانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره ۱- چنانچه محتوای مجرمانه به وب سایت‌های مؤسسات عمومی شامل نهادهای زیر نظر ولی فقیه و قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضائیه و مؤسسات عمومی غیر دولتی موضوع قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و الحاقات بعدی آن یا به احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده یا به سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی حاضر در ایران که امکان احراز هویت و ارتباط با آنها وجود دارد تعلق داشته باشد، با دستور مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده و رفع اثر فوری محتوای مجرمانه از سوی دارندگان، وب سایت مزبور تا صدور حکم نهایی پالایش نخواهد شد.

تبصره ۲- پالایش محتوای مجرمانه موضوع شکایت خصوصی با دستور مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده انجام خواهد شد.

ماده ۲۲- قوه قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نماینده وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کمیته را تشکیل خواهند داد. ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

تبصره ۱- جلسات کمیته حداقل هر پانزده روز یک بار و با حضور هفت نفر عضو دارای حق رأی رسمیت می‌یابد و تصمیمات کمیته با اکثریت نسبی حاضران معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- کمیته موظف است به شکایات راجع به مصادیق پالایش شده رسیدگی و نسبت به آنها تصمیم گیری کند. رأی کمیته قطعی است.

تبصره ۳- کمیته موظف است هر شش ماه گزارشی در خصوص روند پالایش محتوای مجرمانه را به رؤسای قوای سه گانه و شورای عالی امنیت ملی تقدیم کند.

ماده ۲۳- ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کمیته تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سیستم‌های رایانه‌ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنانچه عمداً از اجرای دستور کمیته یا مقام قضایی خودداری کنند، منحل خواهند شد. در غیر این صورت، چنانچه در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

تبصره- ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض آگاهی از وجود محتوای مجرمانه، مراتب را به کمیته تعیین مصادیق اطلاع دهند.

ماده ۲۴- هرکس بدون مجوز قانونی از پهنای باند بین المللی برای برقراری ارتباطات مخابراتی مبتنی بر پروتکل اینترنتی از خارج ایران به داخل یا برعکس استفاده کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

فصل هفتم - سایر جرائم

ماده ۲۵- هرکس مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم

خواهد شد:

(الف) تولید یا انتشار یا توزیع یا معامله داده‌ها یا نرم افزارها یا هر نوع ابزار الکترونیکی که صرفاً به منظور ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می‌روند.
 (ب) فروش یا انتشار یا در دسترس قرار دادن گذر واژه، یا هر داده‌ای که امکان دسترسی غیر مجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه ای، یا مخابراتی متعلق به دیگری را فراهم می‌کند.
 (ج) آموزش نحوه ارتکاب جرائم دسترسی غیر مجاز، شنود غیر مجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی.
 تبصره - چنانچه مرتکب اعمال یاد شده را حرفه خود قرار داده باشد، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل هشتم - تشدید مجازات‌ها

ماده ۲۶- در موارد زیر، حسب مورد مرتکب به بیش از دو سوم حداکثر یک یا دو مجازات مقرر محکوم خواهد شد:

(الف) هر یک از کارمندان و کارکنان اداره‌ها و سازمان‌ها یا شوراهای و یا شهرداری‌ها و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسسه‌هایی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسسه‌هایی که با کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضای کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأموران به خدمت عمومی اعم از رسمی و غیررسمی به مناسبت انجام وظیفه مرتکب جرم رایانه ای شده باشند.

(ب) متصدی یا متصرف قانونی شبکه‌های رایانه ای یا مخابراتی که به مناسبت شغل خود مرتکب جرم رایانه ای شده باشد.

(ج) داده‌ها یا سیستم‌های رایانه ای یا مخابراتی، متعلق به دولت یا نهادها و

مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی باشد.

د) جرم به صورت سازمان یافته ارتکاب یافته باشد.

ه) جرم در سطح گسترده‌ای ارتکاب یافته باشد.

ماده ۲۷- در صورت تکرار جرم برای بیش از دو بار دادگاه می‌تواند مرتکب

را از خدمات الکترونیکی عمومی، از قبیل اشتراک اینترنت، تلفن همراه، اخذ نام دامنه مرتبه بالای کشوری و بانکداری الکترونیکی محروم کند:

الف) چنانچه مجازات حبس آن جرم نود و یک روز تا دو سال حبس باشد، محرومیت از یک ماه تا یک سال.

ب) چنانچه مجازات حبس آن جرم دو تا پنج سال حبس باشد، محرومیت از یک تا سه سال.

ج) چنانچه مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، محرومیت از سه تا پنج سال.

بخش دوم - آیین دادرسی

فصل یکم - صلاحیت

ماده ۲۸- علاوه بر موارد پیش بینی شده در دیگر قوانین، دادگاه‌های ایران

در موارد زیر نیز صالح به رسیدگی خواهند بود:

الف) داده‌های مجرمانه یا داده‌هایی که برای ارتکاب جرم به کار رفته‌اند به هر نحو در سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی یا حامل‌های داده موجود در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران ذخیره شده باشد.

ب) جرم از طریق وب سایت‌های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران ارتکاب یافته باشد.

ج) جرم توسط هر ایرانی یا غیر ایرانی در خارج از ایران علیه سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی و وب سایت‌های مورد استفاده یا تحت کنترل قوای سه‌گانه

یا نهاد رهبری یا نمایندگی های رسمی دولت یا هر نهاد یا مؤسسه ای که خدمات عمومی ارائه می دهد، یا علیه وب سایت های دارای دامنه مرتبه بالای کد کشوری ایران در سطح گسترده ارتکاب یافته باشد.

د) جرائم رایانه ای متضمن سوءاستفاده از اشخاص کمتر از ۱۸ سال، اعم از آنکه مرتکب یا بزه دیده ایرانی یا غیر ایرانی باشد.

ماده ۲۹- چنانچه جرم رایانه ای در محلی کشف یا گزارش شود، ولی محل وقوع آن معلوم نباشد، دادسرای محل کشف مکلف است تحقیقات مقدماتی را انجام دهد. چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشود، دادسرا پس از اتمام تحقیقات مبادرت به صدور قرار می کند و دادگاه مربوط نیز رأی مقتضی را صادر خواهد کرد.

ماده ۳۰- قوه قضاییه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادسراها، دادگاه های عمومی و انقلاب، نظامی و تجدید نظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه ای اختصاص دهد.

تبصره - قضات دادسراها و دادگاه های مذکور از میان قضاتی که آشنایی لازم به امور رایانه دارند انتخاب خواهند شد.

ماده ۳۱- در صورت بروز اختلاف در صلاحیت، حل اختلاف مطابق مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی خواهد بود.

فصل دوم - جمع آوری ادله الکترونیکی

مبحث اول - نگهداری داده ها

ماده ۳۲- ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند داده ای ترافیک را حداقل تا شش ماه پس از ایجاد و اطلاعات کاربران را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک نگهداری کنند.

تبصره ۱ داده ترافیک هر گونه داده ای است که سیستم های رایانه ای در زنجیره

ارتباطات رایانه‌ای و مخایراتی تولید می‌کنند تا امکان ردیابی آنها از مبداء تا مقصد وجود داشته باشد. این داده‌ها شامل اطلاعاتی از قبیل مبداء، مسیر، تاریخ، زمان، مدت و حجم ارتباط و نوع خدمات مربوطه می‌شود.

تبصره ۲- اطلاعات کاربر هرگونه اطلاعات راجع به کاربر خدمات دسترسی از قبیل نوع خدمات، امکانات فنی مورد استفاده و مدت زمان آن، هویت، آدرس جغرافیایی یا پستی یا IP^۲، شماره تلفن و سایر مشخصات فردی اوست.

ماده ۳۳- ارائه دهندگان خدمات میزبانی داخلی موظفند اطلاعات کاربران خود را حداقل تا شش ماه پس از خاتمه اشتراک و محتوای ذخیره شده و داده ترافیک حاصل از تغییرات ایجاد شده را حداقل تا پانزده روز نگهداری کنند.

مبحث دوم- حفظ فوری داده‌های رایانه‌ای ذخیره شده

ماده ۳۴- هرگاه حفظ داده‌ای رایانه‌ای ذخیره شده برای تحقیق یا دادرسی لازم باشد، مقام قضایی می‌تواند دستور حفاظت از آنها را برای اشخاصی که به نحوی تحت تصرف یا کنترل دارند صادر کند. در شرایط فوری، نظیر خطر آسیب دیدن یا تغییر یا از بین رفتن داده‌ها، ضابطان قضایی می‌توانند رأساً دستور حفاظت را صادر کنند و مراتب را حداکثر تا ۲۴ ساعت به اطلاع مقام قضایی برسانند. چنانچه هر یک از کارکنان دولت یا ضابطان قضایی یا سایر اشخاص از اجرای این دستور خودداری یا داده‌ای حفاظت شده را افشا کنند یا اشخاصی که داده‌ای مزبور به آنها مربوط می‌شود را از مفاد دستور صادره آگاه کنند، ضابطان قضایی و کارکنان دولت به مجازات امتناع از دستور مقام قضایی و سایر اشخاص به حبس از نود و یک روز تا شش ماه، یا جزای نقدی از پنج تا ده میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.

(۳) شماره اختصاصی است که به هر کامپیوتر هنگام تماس با اینترنت از طریق شرکت خدمات دهنده اینترنت اختصاص می‌یابد.

تبصره ۱- حفظ داده‌ها به منزله ارائه یا افشای آنها نبوده و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

تبصره ۲- مدت زمان حفاظت از داده‌ها حداکثر سه ماه است و در صورت لزوم با دستور مقام قضایی قابل تمدید است.

مبحث سوم- ارائه داده‌ها

ماده ۳۵- مقام قضایی می‌تواند دستور ارائه داده‌ای حفاظت شده مذکور در مواد (۳۲)، (۳۳) و (۳۴) فوق را به اشخاص یاد شده بدهد تا در اختیار ضابطان قرار گیرد. مستنکف از اجرای این دستور به مجازات مقرر در ماده (۳۴) محکوم خواهد شد.

مبحث چهارم- تفتیش و توقیف داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی

ماده ۳۶- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی به موجب دستور قضایی و در مواردی به عمل می‌آید که ظن قوی به کشف جرم یا شناسایی متهم یا ادله جرم وجود داشته باشد.

ماده ۳۷- تفتیش و توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی در حضور متصرفان قانونی یا اشخاصی که به نحوی آنها را تحت کنترل قانونی دارند، نظیر متصدیان سیستم‌ها انجام خواهد شد. در غیر این صورت، قاضی با ذکر دلایل دستور تفتیش و توقیف بدون حضور اشخاص مذکور را صادر خواهد کرد.

ماده ۳۸- دستور تفتیش و توقیف باید شامل اطلاعاتی باشد که به اجرای صحیح آن کمک می‌کند، از جمله اجرای دستور در محل یا خارج از آن، مشخصات مکان و محدوده تفتیش و توقیف، نوع و میزان داده‌ای مورد نظر،

نوع و تعداد سخت افزارها و نرم افزارها، نحوه دستیابی به داده ای رمز نگاری یا حذف شده و زمان تقریبی انجام تفتیش و توقیف.

ماده ۳۹- تفتیش داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی شامل اقدامات ذیل می‌شود:

(الف) دسترسی به تمام یا بخشی از سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی.
 (ب) دسترسی به حامل‌های داده از قبیل دیسکت‌ها یا لوح‌های فشرده یا کارت‌های حافظه.
 (ج) دستیابی به داده ای حذف یا رمز نگاری شده.

ماده ۴۰- در توقیف داده‌ها، با رعایت تناسب، نوع، اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم، به روش‌هایی از قبیل چاپ داده‌ها، کپی برداری یا تصویر برداری از تمام یا بخشی از داده‌ها، غیر قابل دسترس کردن داده‌ها باروش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه یا رمز نگاری و ضبط حامل‌های داده عمل می‌شود.

ماده ۴۱- در شرایط زیر سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف خواهند شد:
 (الف) داده‌ای ذخیره شده به سهولت در دسترسی نبوده یا حجم زیادی داشته باشد
 (ب) تفتیش و تجزیه و تحلیل داده‌ها بدون سیستم سخت افزاری امکان پذیر نباشد
 (ج) متصرف قانونی سیستم رضایت داده باشد،
 (د) کپی برداری از داده‌ها به لحاظ فنی امکان پذیر نباشد،
 (ه) تفتیش در محل باعث آسیب داده‌ها شود،
 (و) سایر شرایطی که قاضی تشخیص دهد.

ماده ۴۲- توقیف سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی متناسب با نوع و اهمیت و نقش آنها در ارتکاب جرم باروش‌هایی از قبیل تغییر گذرواژه به منظور عدم دسترسی به سیستم، پلمپ سیستم در محل استقرار و ضبط سیستم صورت می‌گیرد.

ماده ۴۳- چنانچه در حین اجرای دستور تفتیش و توقیف، تفتیش داده‌های

مرتبط با جرم ارتكابی در سایر سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که تحت کنترل یا تصرف متهم قرار دارند ضروری باشد، ضابطان با دستور مقام قضایی دامنه تفتیش و توقیف را به سیستم‌های دیگر گسترش خواهند داد و داده‌های مورد نظر را تفتیش یا توقیف خواهند کرد.

ماده ۴۴- توقیف داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، که موجب ایراد لطمه جانی یا خسارات مالی شدید به اشخاص یا اختلال در ارائه خدمات عمومی می‌شود، ممنوع است.

ماده ۴۵- در جایی که اصل داده‌ها توقیف می‌شود، ذی‌نفع حق دارد پس از پرداخت هزینه از آنها کپی دریافت کند، مشروط به اینکه ارائه داده‌ای توقیف شده منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد و به روند تحقیقات لطمه‌ای وارد نسازد و داده‌ها مجرمانه نباشند.

ماده ۴۶- در مواردی که اصل داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی توقیف می‌شود، قاضی موظف است بالحفاظ نوع و میزان داده‌ها و نوع و تعداد سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مورد نظر و نقش آنها در جرم ارتكابی، در مهلت متناسب و متعارف نسبت به آنها تعیین تکلیف کند.

ماده ۴۷- متضرر می‌تواند در مورد عملیات و اقدام‌های مأموران در توقیف داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، اعتراض کتبی خود را همراه با دلایل ظرف ده روز به مرجع قضایی دستور دهنده تسلیم نماید. به درخواست یاد شده خارج از نوبت رسیدگی گردیده و تصمیم اتخاذ شده قابل اعتراض است.

مبحث پنجم - شنود محتوای ارتباطات رایانه‌ای

ماده ۴۸- شنود محتوای در حال انتقال ارتباطات غیر عمومی در سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مطابق مقررات راجع به شنود مکالمات تلفنی خواهد بود. تبصره - دسترسی به محتوای ارتباطات غیر عمومی ذخیره شده، نظیر

پست الکترونیکی یا پیامک در حکم شنود و مستلزم رعایت مقررات مربوط است.

فصل سوم - استناد پذیری ادله الکترونیکی

ماده ۴۹- به منظور حفظ صحت و تمامیت، اعتبار و انکار نا پذیری ادله الکترونیکی جمع آوری شده، لازم است مطابق آیین نامه مربوط از آنها نگهداری و مراقبت به عمل آید.

ماده ۵۰- چنانچه داده ای رایانه ای توسط طرف دعوا یا شخص ثالثی که از دعوا آگاهی نداشته، ایجاد یا پردازش یا ذخیره یا منتقل شده باشد و سیستم رایانه ای یا مخابراتی مربوط به نحوی درست عمل کند که به صحت و تمامیت، اعتبار و انکار نا پذیری داده ها خدشه وارد نشده باشد، قابل استناد خواهند بود.

ماده ۵۱- کلیه مقررات مندرج در فصلهای دوم و سوم این بخش، علاوه بر جرائم رایانه ای شامل سایر جرایمی که ادله الکترونیکی در آنها مورد استناد قرار می گیرند نیز می شود.

بخش سوم - سایر مقررات

ماده ۵۲- به منظور ارتقای همکاری های بین المللی در زمینه جرائم رایانه ای، وزارت دادگستری موظف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اقدامات لازم را در زمینه تدوین لوایح و پیگیری امور مربوط جهت پیوستن ایران به اسناد بین المللی و منطقه ای و معاهدات راجع به همکاری و معاضدت دو جانبه یا چند جانبه قضایی انجام دهد.

ماده ۵۳- در مواردی که سیستم رایانه ای یا مخابراتی به عنوان وسیله ارتکاب جرم بکار رفته و در این قانون برای عمل مزبور مجازاتی پیش بینی نشده است، مطابق قوانین جزایی مربوط عمل خواهد شد.

تبصره - در مواردی که در بخش دوم این قانون برای رسیدگی به جرائم

رایانه‌ای مقررات خاصی از جهت آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری اقدام خواهد شد.

ماده ۵۴- میزان جزاهای نقدی این قانون بر اساس نرخ رسمی تورم حسب اعلام بانک مرکزی هر سه سال یک بار با پیشنهاد رئیس قوه قضاییه و تصویب هیأت وزیران قابل تغییر است.

فصل پانجم

قانون تجارت الکترونیک

قانون تجارت الکترونیک

مبحث اول - کلاهبرداری کامپیوتری

ماده ۶۷- هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، با سوء استفاده و یا استفاده غیر مجاز از داده پیامها^۱، برنامه‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل ارتباط از راه دور و ارتکاب افعالی نظیر ورود، محو، توقف داده پیام مداخله در عملکرد برنامه یا سیستم رایانه‌ای و غیره دیگران را بفریبد و یا سبب گمراهی سیستم‌های پردازش خودکار و نظایر آن شود و از این طریق برای خود یا دیگری وجوه، اموال یا امتیازات مالی تحصیل کند و اموال دیگران را ببرد مجرم محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبان اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال مأخوذه محکوم می‌شود.

تبصره - شروع به این جرم نیز جرم محسوب و مجازات آن حداقل مجازات مقرر در این ماده می‌باشد.

(۱) «داده پیام» (Data Message) : هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فناوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره‌ها پردازش می‌شود. (بند الف ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک مصوب)

مبحث دوم - جعل کامپیوتری

ماده ۶۸- هر کس در بستر مبادلات الکترونیکی، از طریق ورود، تغییر، محو و توقف داده پیام و مداخله در پردازش داده پیام و سیستم‌های رایانه ای، و یا استفاده از وسایل کاربردی سیستم‌های رمزنگاری تولید امضاء - مثل کلید اختصاصی بدون مجوز امضاء کننده و یا تولید امضای فاقد سابقه ثبت در فهرست دفاتر اسناد الکترونیکی و یا عدم انطباق آن وسایل با نام دارنده در فهرست مزبور و اخذ گواهی معجول و نظایر آن اقدام به جعل داده پیام‌های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائه آن به مراجع اداری، قضائی مالی و غیره به عنوان داده پیام‌های معتبر استفاده نماید جاعل محسوب و به مجازات حبس از یک تا سه سال و پرداخت جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون (۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

تبصره - مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات در این ماده می‌باشد.

مبحث سوم - نقض حقوق انحصاری در بستر مبادلات الکترونیک

فصل اول - نقض حقوق مصرف کننده و قواعد تبلیغ

ماده ۶۹- تأمین کننده متخلف از مواد ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷ این قانون به مجازات از ده میلیون (۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - تأمین کننده متخلف از ماده ۳۷ به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۷۰- تأمین کننده متخلف از مواد ۳۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴ و ۵۵ این قانون به مجازات از بیست میلیون (۲۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - تأمین کننده متخلف از ماده ۵۱ این قانون به حداکثر مجازات در این ماده محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- تأمین کننده متخلف از ماده ۵۵ این قانون به حداقل مجازات در این ماده محکوم خواهد شد.

فصل دوم- نقض حمایت از داده پیام‌های شخصی / حمایت از داده

ماده ۷۱- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی شرایط مقرر در مواد (۵۸) و (۵۹) این قانون را نقض نماید، مجرم محسوب و به یک تا سه سال حبس محکوم می‌شود.

ماده ۷۲- هرگاه جرائم راجع به داده پیام‌های شخصی توسط دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی و سایر نهادهای مسئول ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در ماده ۷۱ این قانون محکوم خواهد شد.

ماده ۷۳- اگر به واسطه بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی جرائم راجع به داده پیام‌های شخصی روی دهد، مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس و پرداخت جزای نقدی معادل پنجاه میلیون (۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

مبحث چهارم- نقض حفاظت از داده پیام در بستر مبادلات الکترونیکی

فصل اول- نقض حق مؤلف

ماده ۷۴- هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی با تکثیر، اجراء و توزیع (عرضه و نشر) مواردی که در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۹/۳ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۹/۲۶ و قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴، منوط بر آنکه امور مذکور طبق مصوبات مجلس شورای اسلامی مجاز شمرده شود، در صورتی که حق تصریح شده مؤلفان را نقض نماید، به مجازات سه ماه تا یک سال حبس و جزای نقدی به میزان پنجاه میلیون

(۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۸- هرگاه در بستر مبادلات الکترونیکی در اثر نقص یا ضعف سیستم مؤسسات خصوص و دولتی به جز در نتیجه قطع فیزیکی ارتباط الکترونیکی خسارتی به اشخاص وارد شود، مؤسسات مزبور مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند، مگر اینکه خسارات وارده ناشی از فعل شخصی افراد باشد که در این صورت جبران خسارات بر عهده این اشخاص خواهد بود.

باب ششم - متفرقه

ماده ۲۹- وزارت بازرگانی موظف است زمینه‌های مرتبط با تجارت الکترونیکی را که در اجرای این قانون مؤثر می‌باشند، شناسائی کرده و با ارائه پیشنهاد و تأیید شورای عالی فناوری اطلاعات، خواستار تدوین مقررات مربوطه و آیین‌نامه‌های این قانون توسط نهادهای ذی ربط شود. این آیین‌نامه‌ها و مقررات پس از تصویب هیأت وزیران به مرحله اجرا درخواهند آمد. سایر آیین‌نامه‌های مورد اشاره در این قانون به ترتیب ذیل تهیه خواهند شد.

الف- آیین‌نامه مربوط به مواد ۳۸ و ۴۲ این قانون به پیشنهاد وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ب- آیین‌نامه مربوط به مواد ۵۶ و ۵۷ این قانون به پیشنهاد وزارتخانه‌های بازرگانی و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ج- آیین‌نامه مربوط به ماده ۶۰ این قانون به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۸۰- وزارت بازرگانی موظف است به منظور حمایت از فعالیت‌های

تجارت الکترونیکی، با تجمیع واحدهای ذی ربط مرکزی را در این وزارتخانه ایجاد نماید. اساسنامه و آیین نامه این مرکز به پیشنهاد مشترک وزارت بازرگانی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۸۱- اصل سازان، مخاطبین، بایگانان، مصرف کنندگان و کلیه کسانی که داده پیام در اختیار دارند موظفند داده پیام‌هایی را که تحت مسئولیت خود دارند، به طریقی نگهداری نموده و پشتوانه (Backup) تهیه نمایند که در صورت بروز هر گونه خطری برای یک نسخه، نسخه دیگر مصون بماند.

فصل دوازدهم

قانون
مجازات اخلاگران
در نظام اقتصادی کشور

قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور

- ماده ۱-** ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود:
- الف) اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.
- ب) اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.
- ج) اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیرمجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یارش و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاستهای تولیدی کشور شود و امثال آنها.
- د) هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروت‌های ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج

کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد.

ه) وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.

و) اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تادیه آن و تقلب در قیمت گذاری کالاهای صادراتی و....

ز) تأسیس، قبول نمایندگی و عضو گیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیرها شبکه انسانی تداوم یابد.

تبصره ۱- پرونده‌هایی که قبل از تصویب این قانون تشکیل شده است برابر قوانین قبلی رسیدگی می‌شود.

الحاقی به موجب قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده (۱) قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره (۱) ماده (۲) آن مصوب ۱۳۸۴

تبصره ۲- قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوء استفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب نماید.

ماده ۲- هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب

به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد، حکم خواهد داد.

دادگاه می تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

تبصره ۱- در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفت گانه ماده (۱) عمدها کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده محکوم می شود. اصلاحی به موجب قانون الحاق یک بند و یک تبصره به ماده (۱) قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ و اصلاح تبصره (۱) ماده (۲) آن مصوب ۱۳۸۴

تبصره ۲- در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی اعم از خصوصی یا دولتی، یا نهادها و یا تعاونیها و غیر آنها انجام گیرد، فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت^۱ و یا شرکت و یا به گونه ای دخالت داشته اند بر حسب این که اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد، به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرسان یا بازرسان و به طور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که به گونه ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند، اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کردها با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند، معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می شوند.

تبصره ۳- مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده یک سال تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اخیر این ماده شش ماه تا دو سال حبس و دو است و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره ۱ این ماده شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دو است هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

تبصره ۴- مرتکبین جرائم موضوع این ماده و تبصره‌های ۱ تا ۳ آن و کلیه شرکا^۲ و معاونین^۳ هر یک از جرائم مزبور علاوه بر مجازات‌های مقرر حسب مورد به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آنها محکوم خواهند شد.

تبصره ۵- هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزاهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

تبصره ۶- رسیدگی به کلیه جرائم مذکور در این قانون در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی است و دادرها و دادگاه‌های مزبور در مورد جرائم موضوع ماده ۱ این قانون مکلفند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند.

تبصره ۷- از زمان لازم الاجراء شدن این قانون کلیه قوانین مغایر با آن به جز قوانینی که دارای مجازات شدیدتری از مجازات‌های مقرر در این قانون می‌باشند ملغی است.

۲) ارتکاب جزئی از اجزاء اصل جرم را به وسیله شخص، شرکت در جرم گویند به طوری که از مجموعه اعمال دو یا چند نفر جرم صورت گرفته باشد

۳) ر. ک. به صفحه ۱۴

فصل سیزدهم

قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی

قانون مجازات

انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی

ماده ۱- اسناد دولتی عبارتند از؛ هر نوع نوشته‌ها اطلاعات ثبت یا ضبط شده مربوط به وظایف و فعالیت‌های وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی از قبیل مراسلات، دفاتر، پرونده، عکس‌ها، نقشه‌ها، کلیشه‌ها، نمودارها، فیلم‌ها، میکرو فیلم‌ها و نوارهای ضبط صوت، که در مراجع مذکور تهیه و یا به آن رسیده باشد.

اسناد دولتی سری اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح دولت و یا مملکت باشد.

اسناد دولتی محرمانه، اسنادی است که افشای آنها مغایر با مصالح خاص اداری سازمان‌های مذکور در این ماده باشد.

ماده ۲- هر یک از کارکنان سازمان‌های مذکور در ماده‌ک که حسب وظیفه مأمور حفظ اسناد سری و محرمانه دولتی بوده‌ها حسب وظیفه اسناد مزبور در اختیار او بوده و آنها را انتشار دادها افشاء نماید یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهد یا به هر نحو، دیگران را از مفاد آنها مطلع سازد در مورد اسناد سری به حبس (جنایی) درجه ۲ از دو تا ده سال و در مورد اسناد محرمانه

به حبس (جنایی) از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود، همین مجازات حسب مورد مقرر است درباره کسانی که این اسناد را با علم و اطلاع از سری یا محرمانه بودن آن چاپ یا منتشر نموده و یا موجبات چاپ یا انتشار آن را فراهم نمایند. در صورتی که افشای مفاد اسناد مذکور در اثر عدم رعایت نظامات یا در اثر غفلت و مسامحه حفاظت آنها صورت گرفته باشد، مجازات او سه ماه تا شش ماه حبس (جنایی) خواهد بود.

ماده ۳- هر یک از کارکنان سازمان‌های مذکور در ماده ۱ یا اشخاص دیگر که اطلاعات یا مذاکرات یا تصمیمات سری و محرمانه دولتی را به نحوی از انحاء به کسی که صلاحیت اطلاع بر آن را ندارد بدهد یا موجبات افشاء یا انتشار آنها را فراهم نماید، عمل مرتکب در حکم افشا یا انتشار اسناد سری یا محرمانه دولتی محسوب می‌شود.

ماده ۴- تعقیب کیفری هر یک از جرایم مذکور در موارد فوق موقوف به تقاضای وزارتخانه‌ها مؤسسه‌ها سازمانی است که اسناد آن منتشر یا افشاء شده است.

ماده ۵- در صورتی که اعمال فوق به موجب قوانین دیگری مستلزم مجازات شدیدتری باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

فصل چهارم دهم

قانون نحوه رسیدگی به
تخلفات و مجازات فروشندگان
لباس‌هایی که استفاده از آنها
در ملاء عام خلاف شرع است و یا
عفت عمومی را
جریحه دار می‌کند

قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند

ماده ۱- کسانی که عالم‌اللباس‌ها و نشانه‌هایی که علامت مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و یا بفروشند و یا در ملاء عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند، مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیاء مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود.

تبصره- نشانه‌های مذهبی اقلیت‌های دینی رسمی برای پیروان این ادیان از شمول این قانون مستثنی است.

ماده ۲- مجازات تعزیری تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان و فروشندگان و استفاده‌کنندگان البسه و نشانه‌های مذکور در ماده ۱ به شرح زیر خواهد بود:

۱- تذکر و ارشاد

۲- توبیخ و سرزنش

۳- تهدید

۴- تعطیل محل کسب به مدت سه ماه تا شش ماه در مورد فروشندگان و جریمه نقدی از ۵۰۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال در مورد واردکننده و ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق، یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

۵- لغو پروانه کسب در مورد فروشندگان و ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جریمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

دادگاه با توجه به شرایط و حالات مجرم، دفعات و زمان و مکان وقوع جرم و دیگر مقتضیات، مجرم را به یکی از مجازات‌های مذکور محکوم می‌نماید.

تبصره ۱- دادگاه تولیدکننده را ملزم به تعطیل خط تولید مخصوص و انطباق آن با ضوابط اسلامی می‌نماید.

تبصره ۲- در صورتی که مجرم کارمند دولت باشد علاوه بر یکی از مجازات‌های فوق به یکی از مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- انفصال موقت تا دو سال

۲- اخراج و انفصال از خدمات دولتی

۳- محرومیت استخدام به مدت پنج سال در کلیه وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، نهادها و ارگان‌های دولتی و عمومی

ماده ۴- کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند.

ماده ۶- در کلیه مواردی که به موجب این قانون، تخلفات توسط شرکت‌ها و یا سازمان‌ها و یا بنگاه‌هایی صورت گرفته است که دارای شخصیت حقوقی می‌باشند، مدیر عامل یا مدیر مسئول شخصیت حقوقی مجرم محسوب می‌شود و به حبس از ۱ سال تا ۳ سال محکوم می‌شود.

در مورد مؤسسات دولتی، مدیر عامل یا مدیر مسئول، علاوه بر حبس، از

خدمت نیز منفصل می شود.

تبصره- در صورتی که چند نفر مشترکاً شرکت، یا سازمان و یا بنگاه و نظیر اینها را اداره نمایند، هر یک از آنها به مجازات فوق محکوم می گردد.

ماده ۷- رسیدگی به جرائم موضوع این قانون در صلاحیت دادگاه های انقلاب اسلامی است.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- ۳- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.
- ۴- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (اصلاحیه ۱۳۷۰).
- ۵- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی و تأیید و تصویب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۶- آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری.
- ۷- قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب سال ۱۳۷۹.
- ۸- قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲.
- ۹- قانون مجازات اخلاط‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.
- ۱۰- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.
- ۱۱- قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹.
- ۱۲- قانون مبارزه با مواد مخدر با اصلاحات و الحاقات ۱۳۸۹.
- ۱۳- قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دولت مصوب ۱۳۷۲.
- ۱۴- آئین نامه اجرائی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۳.
- ۱۵- قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳.
- ۱۶- قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می‌کند. مصوب ۱۳۶۵.
- ۱۷- قانون جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸.
- ۱۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر: مبسوط در ترمینولوژی حقوق.
- ۱۹- صفایی، دکتر حسین: حقوق مدنی اشخاص و محجورین.
- ۲۰- معین: فرهنگ لغت معین.
- ۲۱- قره باغی، محسن: ترمینولوژی قوانین و مقررات: ویرایش دوم ۱۳۸۶.
- ۲۲- قدیانی، عباس: فرهنگ اصطلاحات حقوق جزا ۱۳۷۵.